

Leal Civilization
vol.3, No.7, Fall 2020 & Winter 2021
Pages: 74-90

Article Type: Original Research
http://www.pzhfars.ir/article_126530.html



تمدن حقوقی
دوره ۳، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۷۴-۹۰
نوع مقاله: علمی پژوهشی

Assessing the Approaches Governing the Criminalization of Offences Against Cultural Heritage in Times of Armed Conflicts: From Civilian Use to Cultural Value

ارزیابی رویکردهای حاکم بر جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه: از کاربرد غیرنظامی تا ارزش فرهنگی

Mousa Karami
PhD Candidate in Public International Law, Faculty of Law,
University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)
Yasser SHakeri
PhD Candidate in Criminal law and Criminology and
University Instructor

موسی کرمی
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم،
ایران (نویسنده مسئول)

mousakarami136767@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-7536-8972>

یاسر شاکری
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی و مدرس دانشگاه
<http://orcid.org/0000-0001-7732-8125>

Abstract

One of the unpleasant results of war is the damage to and destruction of cultural heritage (CH) as the momento of human history. The question which is being answered in this research base on a descriptive-analytic method is that which approach in criminalization secures the further protection of CH in times of armed conflicts and which instrument of international criminal law is a better tool in criminalizing the offences against CH in this regard? The International Criminal Court Statute takes a retrograde attitude and civilian-use and instrumental value-based to offences against CH in times of armed conflicts, whereas the Second Protocol to the 1954 Hague Convention on the Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflict in a far more innovative and progressive, has preferred the cultural and intrinsic value approach. It appears that the latter is more appropriate for protecting CH and, at present, the most effective tool for legal prosecution of war crimes against CH is the Second Protocol. Therefore, it is crucial to promote ratification by a large number of states and to encourage states to adopt implementing legislation that may allow domestic judges to prosecute the most serious crimes against CH on the basis of jurisdictional criteria provided for in Protocol II. Furthermore, it seems well applying the civilian-use approach to offences against CH in the framework of crimes against humanity.

Keywords: Cultural Heritage, Cultural Property, International Criminal Law, The Statute of International Criminal Court, The Second Protocol to 1954 Hague Convention.

چکیده

یکی از تبعات منفی جنگ، آسیب و نابودی اموال و میراث فرهنگی جهان به سان یادگارن تاریخ بشری است. پرسشی که این پژوهش از رهگذار شیوه توصیفی-تحلیلی، برای پاسخ به آن به نگارش در آمده این است که چه رویکردی در جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی، حراست بهتر و بیشتر از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه را تأمین می‌کند و کدام یک از اسناد حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در این زمینه ابزار مناسب‌تری به شمار می‌رود؟ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نگرشی واپس گرایانه و قائل به کاربرد غیرنظامی و ارزش‌ایزایی در قبال جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه اتخاذ نموده، حال آن‌که پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه به نحوی بسیار میکرانه و مترقیانه، رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی و ذاتی را ترجیح داده است. به نظر می‌رسد رویکرد اخیر برای حمایت از میراث فرهنگی مناسب‌تر بوده و هم‌اکنون، کارآمدترین ابزار برای پیگیری قانونی جنایات جنگی علیه اموال فرهنگی، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه می‌باشد. از این رو، افزایش میزان تصویب پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه از سوی شمار چشمگیری از دولت‌ها و تشویق آنان به اتخاذ قوانین اجرایی، که بر مبنای معیار صلاحیت مقرر در پروتکل یاد شده به قضات داخلی اجازه تعقیب شدیدترین جرائم علیه میراث فرهنگی را می‌دهد، ضرورت دارد. افزون بر این، بکارگیری رویکرد مبتنی بر کاربرد نظامی در قبال جرائم علیه میراث فرهنگی به‌ویژه در چهارچوب جنایات علیه بشریت مطلوب می‌نماید.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، اموال فرهنگی، حقوق بین‌الملل کیفری، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ - بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

Received:2020/04/11 - Review: 2020/10/09 - Accepted:2021/02/21

این نوشتار آمیزهای است از ترجمه و تحقیق، بخش ترجمه، برگردان بخش‌هایی از مقاله‌ای است با عنوان: «The Criminalization of Offences Against Cultural Heritage in Times of Armed Conflict: A Quest for Consistency» که در شماره نخست جلد ۲۱ مجله اروپایی حقوق بین‌الملل (EJIL) به سال ۲۰۱۱ به چاپ رسیده است. منابع فارسی و منابع سال ۲۰۱۰ به این سو، مربوط به بخش تحقیق این اثر هستند.

مقدمه

«تا کجا می‌برد این نقش به دیوار مرا

تا بدان جا که فرو می‌ماند

چشم از دیدن و لب نیز ز گفتار مرا...»^۱

هر کشور دارای مرز شناخته شده‌ای است که از کرانه‌ای تا کرانه‌ای را دربرمی‌گیرد. در قبال این هویت جسمانی، ساحت دیگری نیز هست که ناپیداست، غنوده در گستره تاریخ که شخصیت معنوی یک کشور را تشکیل می‌دهد و آن مجموع کارکردها و رویدادها و دستاوردهای فرهنگی یک قوم است که طی قرن‌های متمادی در درازای زمان حرکت کرده و از نسلی به نسلی انتقال یافته (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶، ۱۳). بی‌گمان یکی از جلوه‌های این ساحت را می‌توان در میراث فرهنگی و تاریخی هر قوم و ملت سراغ گرفت و متبلور دانست. در روزگار کنونی، میراث فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردارند؛ چرا که پیامی هستند از گذشته و معبری هستند رو به آینده (UN General Assembly, 9 August 2016, para. 6). میراث فرهنگی بخش جدایی‌ناپذیر و بنیادین هویت فرهنگی است و این نیاز به حفظ هویت فرهنگی افراد، گروه‌ها و بشریت است که حفاظت از آن‌ها را توجیه می‌کند (عبداللهی و عبداللهی، ۱۳۹۳، ۹).

هر وقت بلیه‌ای اجتماعی عارض می‌گردد، بدان گونه که می‌رود تا کاسه صبر مردم را لبریز کند و تشت‌های رسوایی را از بام‌ها بیفکند، به حکم ضرورت طبیعی و قانون واکنش، تأمل و گفت‌وگو بر سر موضوع در می‌گیرد و پرتوهای مبهمی از امید در لابلای تاریکی به دمیدن می‌آید (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۲، ۲۳). به همین شکل، رویدادهایی که به‌ویژه در چند سال اخیر در کشورهایی مانند عراق (صلاحی، ۱۳۹۶، ۱۶۷-۱۶۱) و سوریه (فروغی و غنی، ۱۳۹۴، ۳۳۵-۳۳۴) علیه میراث تاریخی، تمدنی و فرهنگی جهان به سان برگه‌ای کامل از تاریخ بشریت (Hama Rashid, 2020, 1021) به وقوع پیوست، بیش از گذشته سخن از مسئله خطیر حمایت از اموال و میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه را بر سر زبان‌ها انداخت و بایستگی مبارزه با جرائم ارتكابی علیه آن‌ها در زمان جنگ بیش از پیش نمایان ساخت. در این میان، خسارات و آسیب‌هایی که در خلال جنگ تحمیلی به میراث فرهنگی ایران زمین وارد شد (قشلاقی نیگجه و توحیدی، ۱۳۹۷، ۱۷-۱۳) را نباید از یاد برد.

در حقوق بین‌الملل، جدیدترین اسنادی که به جرم انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه دست یازیده‌اند عبارتند از: اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۲ (اساسنامه دیوان) در سال ۱۹۹۸ و پروتکل

^۱- بخش آغازین شعری است با نام «هزاره دوم آهوی کوهی» از استاد محمدرضا شفیعی کدکنی. انگیزه شاعر از سرودن این شعر، دیدن تصویرهایی

از بقایای بناهای کهن ایران زمین بوده است.

دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه^۳ در سال ۱۹۹۹ (پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه). حتی بررسی اجمالی این دو سند حکایت از رویکردهای متفاوت و گاه ناسازگار آن‌ها در قبال جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان جنگ دارد. از این رو، تحلیل تطبیقی این دو سند به منظور درک دلایل سرچشمه این نگرش‌های متضاد و ارزیابی ناسازگاری‌ها و خلأها در خصوص پیشبرد هر چه مطلوب‌تر حمایت از اموال فرهنگی از دریچه حقوق بین‌الملل کیفری، سودمند و بلکه بایسته می‌نماید؛ امری که در این پژوهش به سان آمیزه‌ای از ترجمه و تحقیق، وجهه همت خویش ساخته‌ایم. در این راستا، نخست به رویکردهای حاکم بر جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه در دو سند یادشده آن‌ها می‌پردازیم و سپس ناسازگاری‌ها و ناهمخوانی‌های اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه را در موضوع مورد مطالعه از نظر می‌گذرانیم و سرانجام به جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری دست می‌زنیم.

۱- حمایت از میراث فرهنگی در حقوق بین‌الملل کیفری: از رویکرد قائل به کاربرد غیرنظامی تا رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی

در حقوق بین‌الملل کنونی، به منظور مجازات اعمال ارتكابی علیه اموال فرهنگی در زمان جنگ، از دو رویکرد اصلی پیروی شده است. جریان نخست حائز ویژگی‌های رویکرد سنتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده - رویکرد قائل به کاربرد غیرنظامی^۴ - حال آن‌که طریق دوم به‌تازگی به کار گرفته شده - رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی^۵ - و بر آن است تا جرائم علیه اموال فرهنگی را با درجه بالاتری از اختصاصی بودن^۶ و تفکیک از لحاظ شدت

این اساسنامه در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۹۸ در شهر رم ایتالیا منعقد در یکم ژوئیه سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجراء گردید. تا زمان تدوین این نوشتار (زمستان ۱۳۹۹ خورشیدی)، ۱۲۳ دولت این سند را تصویب کرده یا به آن پیوسته و ۳۱ دولت نیز تنها آن را امضاء کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ این اساسنامه را امضاء کرده است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به:

<https://ihl-databases.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/INTRO/585?OpenDocument>

3 - Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict (1999)

این پروتکل در ۲۶ مارس ۱۹۹۹ در شهر لاهه منعقد شد و در ۳ مارس ۲۰۰۴ لازم‌الاجراء گردید. تا زمان تدوین این نوشتار (زمستان ۱۳۹۹ خورشیدی)، ۸۴ دولت آن را تصویب کرده یا به آن پیوسته‌اند و ۱۱ دولت نیز تنها آن را امضاء کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در مورخ ۲۴ می سال ۲۰۰۵ به این سند پیوسته است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به:

<https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/590>

4- Civilian-Use Approach

در این رویکرد، اموال فرهنگی از ارزش ذاتی برخوردار نیستند و ارزش آن‌ها در نقش واسطه‌ای و ابزاری است که در محافظت از غیرنظامیان ایفا می‌کنند.

5 - Culture-Value Approach

در این رویکرد، اموال فرهنگی از ارزش ذاتی برخوردارند و به نوعی جدای از نقشی که در محافظت از غیرنظامیان می‌توانند ایفا کنند، اصالت داشته و به بیان فلاسفه اسلامی، وجود مستقل دارند.

6 - Specificity

خسارت وارد شده به این اموال، جرم‌انگاری نماید. تمایز موجود بین این دو دیدگاه را می‌توان در تصمیم دولت‌ها و مجامع بین‌المللی و بالأخص یونسکو دایر بر ایجاد سندی ویژه که به حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه اختصاص یافته باشد، سراغ گرفت. یکی از دلایل طرح اتخاذ چنین معاهده‌ای، در اصل لزوم مقرر داشتن ضمانت‌اجراهای کیفری بود که ابزاری کارآمد و حیاتی در اجرای مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه حامی اموال فرهنگی و نیل به مقاصد بازدارندگی و پیشگیری تلقی می‌گردیدند.

مبتکرین کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی در هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه، قصد حمایت از بخش خاصی از اموال فرهنگی را داشتند که در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو از آن‌ها حمایت ویژه به عمل نیامده بود؛ یعنی اموال دارای ارزش فرهنگی جهانی که ذیل مفهوم روشن‌تری از میراث فرهنگی قرار می‌گیرند. در خلال کارهای مقدماتی که سرانجام منجر به اتخاذ متن کنوانسیون گردید، همواره به گنجینه‌های فرهنگی حائز ارزش غیرقابل تخمین اشاره می‌شد و این هدف به وضوح در تعریف مقدمه کنوانسیون از اموال فرهنگی، متبلور و نمایان است.^۷ در این برهه بود که عقیده حمایت از این نوع اموال به خاطر خود آن‌ها و به دلیل ارزش ذاتی و اهمیت‌شان برای بشریت^۸ و فرا و جدای از استفاده روزمره غیرنظامیان از آن‌ها، تلفات و صدماتی که به واسطه اعمال صورت گرفته علیه اموال فرهنگی به غیرنظامیان وارد می‌شود و پیامدهایی که تخریب آن‌ها می‌تواند برای غیرنظامیانی که در اطراف آن‌ها زندگی می‌کنند دربرداشته باشد، پدیدار گردید. طبق این دیدگاه، در حقوق بین‌الملل معاصر، بناهای تاریخی (و فرهنگی) ماهیتی فراتاریخی، فراجغرافیایی و فراملیتی دارند و میراث مشترک بشریت هستند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۴۶۰).

با وجود این، دستاوردهای کنوانسیون در خصوص درج مقررات کیفری ناچیز بوده و حتی در بحث اجرای عملی آن‌ها، این نابسندگی نمایان‌تر است؛ به گونه‌ای که، تنها مقرر مندرج در این خصوص، ماده ۲۸ است که به

۷- ماده ۱: «در چهارچوب اهداف کنوانسیون حاضر، واژه اموال فرهنگی بدون توجه به منشأ و مالکیت، [این موارد] را در بر می‌گیرد: الف) اموال منقول یا غیرمنقول حائز اهمیت والا برای میراث فرهنگی تمامی افراد همچون ابنیه معماری، هنری یا تاریخی چه مذهبی و چه سکولار (غیرمذهبی)؛ اماکن باستانی؛ دسته‌هایی از ساختمان‌ها که روی هم رفته حائز ارزش تاریخی یا هنری‌اند؛ آثار هنری؛ نُسخ، کتب و سایر اشیاء واجد ارزش هنری، تاریخی و باستان‌شناسانه؛ همچنین مجموعه‌های علمی و مجموعه‌های مهم کتب و آرشیوها یا کپی اموال تعریف‌شده در بالا؛ ب) ساختمان‌هایی که هدف اولیه و اثربخش آن‌ها حراست یا نمایش اموال فرهنگی منقول تعریف‌شده در زیربند (الف) همچون موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ و آرشیوها و پناهگاه‌هایی است که در هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه از آن‌ها به منظور حفاظت از اموال فرهنگی منقول تعریف‌شده در زیر بند (الف) استفاده می‌گردد؛ ج) مراکزی که حاوی شمار زیادی از اموال فرهنگی تعریف‌شده در زیر بندهای (الف) و (ب) می‌باشند، معروف به مراکز حاوی بناهای یادبود» این تعریف، تعریفی موسع از اموال فرهنگی است که بر اهمیت اموالی که نمایانگر میراث فرهنگی تمامی ملت‌ها برای کل بشریت، تأکید می‌ورزد. در این تعریف، برای نخستین بار دو اصطلاح اموال فرهنگی و میراث فرهنگی در یک متن واحد به کار برده شدند.

۸- این عقیده، پیش‌تر در دوران بین دو جنگ جهانی در سندی حقوقی تجلی یافته بود. معاهده راجع به نهادهای علمی و هنری و ابنیه تاریخی (پیمان ژُریخت) که در سال ۱۹۳۵ در واشینگتن، به‌دست ۲۱ کشور از قاره آمریکا به امضا رسید و با هدف «حراست از تمامی بناهای تاریخی تحت مالکیت خصوصی و ملی تشکیل‌دهنده گنجینه‌های فرهنگی ملت‌ها در مواقع مخاطره»، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح، تصویب گردید. با وجود این، مقوله جرم‌انگاری اقدامات صورت گرفته علیه چنین گنجینه‌هایی در آن زمان مطرح نشده بود.

شکلی مبهم نگارش یافته و اجرای عملی در سطح داخلی را بر نمی‌تابید. در مقابل، این که در زمان وزیدن گرفتن موسم تغییرات در حقوق بین‌الملل کیفری - حدود چهل سال پس از انعقاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه - این دو طرز نگرش به نسبت متفاوت در قبال جرم انگاری اقدامات علیه اموال فرهنگی به موازات هم پیش رفتند و به رغم موقعیت‌های مرتبط و مشابه، تلاشی جدی برای همگرایی یا دست کم نزدیک شدن آن‌ها به هم صورت نپذیرفت، تا اندازه‌ای موجب شگفتی است. در واقع، نویسندگان پیش‌نویس اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی تأسیس شده به دست شورای امنیت در دهه ۱۹۹۰ و همچنین نویسندگان پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آن‌گاه که به تشریح مقررات راجع به جرائم علیه اموال فرهنگی می‌پرداختند، بنای کار را بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه سنتی یا رویکرد قائل به کاربرد غیرنظامی قرار دادند؛ حال آن‌که، در مقررات کیفری مندرج در پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه مصوب ۱۹۹۹، رویکردی تخصصی‌تر و با گرایش به منطق مبتنی بر ارزش فرهنگی در نظر گرفته شده است. شواهد قابل توجهی دال بر پافشاری و اصرار بر این دو رویکرد متباین را می‌توان در تعاریف متفاوت از جرائم تحت شمول این اسناد، یافت.

نگاهی دقیق به اساسنامه برخی محاکم کیفری بین‌المللی آشکار می‌سازد که تمامی آن‌ها جرائمی نامعین و نامشخص علیه میراث فرهنگی را مقرر داشته‌اند. ماده ۶ منشور نورنبرگ که محکمه نظامی بین‌المللی^۹ را ایجاد نمود و «غارت اموال خصوصی و عمومی، ویران نمودن عمارت‌ها، شهرها، قصبه‌ها و روستاها یا تخریب بدون توجیه ضرورت نظامی» را در شمار جنایات جنگی برشمرد، نخستین مثال در این زمینه است. اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی و مختلط ایجادشده از آغاز دهه ۱۹۹۰، تعاریف مشخص‌تری را اتخاذ نمودند^{۱۰}، لکن باز هم نقطه ارجاع پیش‌نویس مقرراتی که اعمال ارتكابی علیه میراث فرهنگی را منع می‌نمودند، اسناد عام حقوق بین‌الملل بشردوستانه - بیشتر قواعد ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو - بودند و علی‌رغم وجود کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، هیچ کوششی برای گنجانیدن جرائم خاص به منظور جرم‌انگاری اقدامات شدید علیه میراث فرهنگی صورت نگرفت. در نتیجه، قواعد سنتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و رویکرد حاکم بر آن‌ها در اساسنامه‌ها تجسم یافتند.

با این حال، در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه فوق‌الذکر، هیچ تعریفی از اموال فرهنگی وجود ندارد و مقررات ذیربط در فهرست خود، ابنیه تاریخی، ساختمان‌های مختص به امور مذهبی و آموزشی، همچنین

^۹ - International Military Tribunal

^{۱۰} - بند (د) ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، اقدام به «تصرف، تخریب و آسیب تعمدی به نهادهای اختصاص یافته به [امور] مذهبی، خیریه و آموزشی، هنرها و علوم [مختلف]، ابنیه تاریخی و آثار هنری و علمی» را جرم انگاری می‌نماید. ماده ۷ قواعد حاکم بر شعب فوق‌العاده در کامبوج، که تنها مقرره جزایی دارای پیوند مستقیم با مقرره کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در این رابطه است، اشعار می‌دارد: شعب فوق‌العاده این اختیار را دارند تا تمامی مظنونین مسئول در قبال تخریب اموال فرهنگی در طول مخاصمه مسلحانه داخلی، که در بازه زمانی ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ لغایت ۶ ژانویه ۱۹۷۹ ارتکاب یافته‌اند را، پیرو کنوانسیون لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در هنگام وقوع مخاصمات مسلحانه به محاکمه بکشانند. در دیگر سو، بند (ه) ماده ۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و بند (ه) ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه برای سیرالئون، از میان جنایات جنگی علیه اموال فرهنگی، تنها به جرم غارت به عنوان جنایت جنگی مرتبط با اموال فرهنگی، به طور صریح اشاره می‌کنند.

بیمارستان‌ها و اماکن محل گردآوری بیماران و زخمیان را در کنار هم و بدون ایجاد تمایز از لحاظ اهمیت فرهنگی گنجانده‌اند. بیمارستان‌ها نیازمند حمایت ویژه‌اند، چرا که نابودی آن‌ها به معنای کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان بوده و به استفاده احتمالی غیرنظامیان از این اماکن در ادامه مخاصمه خدشه وارد می‌کند؛ کلیساها و مدارس نیز از جوهی دیگر، چنین‌اند. رویکرد قاتل به کاربرد غیرنظامی، حراست از غیرنظامیان را در اولویت قرار می‌دهد؛ حمایت اساساً و منحصرأ تنها به ساختمان‌ها اختصاص یافته و در خدمت حفظ جان غیرنظامیان، به عنوان هدف اصلی، عمل می‌نماید.

میراث فرهنگی میراث بشر برای بشریت است که باید از آن صیانت نمود (ذاکر حسین، ۱۳۹۰، ۱۴۴). از آن جا که میراث فرهنگی بخش جدایی‌ناپذیر شاکله و هویت فرهنگی است، نیاز به هویت افراد، گروه‌ها و بشریت، نیاز به حفظ و گسترش و حمایت از میراث فرهنگی را توجیه می‌نماید (جمالی، ج دو، ۱۳۹۰، ۱۱۲). از همین رو، رویکرد سنتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در پرداختن به این مهم که ساختمان‌ها و ابنیه تاریخی و آثار هنری، ورا و جدای از بعد مادی خود و در اصل به خاطر ارزش فرهنگی‌شان هم برای جامعه محلی محل وقوع و هم برای بشریت در کل، شایسته حمایت‌اند، ناکام می‌ماند. مثال مرتبط، ماده (د) ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق است.^{۱۱} هرچند با این مقرر گامی به جلو برداشته شده است - چرا که دست‌ک جداگانه به اموال فرهنگی پرداخته و دیگر ابنیه تاریخی را در کنار بیمارستان‌ها بر نمی‌شمرد - ولی عبارت‌پردازی انتخاب شده، هیچ تمایزی بین عناصر مختلف اموال منعکس ننموده و ارزش فرهنگی اموالی که قرار است مورد حمایت قرار گیرند، فقط به صورت حاشیه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این انتخاب با وجود تخریب گسترده اموال فرهنگی فوق‌العاده ارزشمند یوگسلاوی در هنگامی که پیش‌نویس اساسنامه نوشته شده بود^{۱۲} و همچنین علی‌رغم پیشنهادهای روشن و مشخص کمیته کارشناسان ملل متحد^{۱۳} مبنی بر لزوم درج ضمانت‌اجراهای کیفری علیه این اقدامات با اشاره صریح به قواعد موجود در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، صورت پذیرفت.^{۱۴}

^{۱۱}- بند (د) ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق بیان می‌دارد: (د) تصرف، تخریب یا [یراد] آسیب تعمدی به نهادهای اختصاص یافته به [امور] مذهبی، خیریه و آموزشی، هنری و علوم [مختلف]، ابنیه تاریخی و آثار هنری و علمی؛ (ه) غارت اموال عمومی یا خصوصی. سایر مقرراتی که به منظور ایراد اتهام علیه اقدامات علیه اموال فرهنگی مورد استفاده قرار گرفتند اما به طور صریح به این هدف پرداخته‌اند عبارتند از: بند (ب) ماده ۳، ویرانی عامدانه شهرها، قصبه‌ها و روستاها و تخریب بدون توجیه ضرورت نظامی؛ بند (ج) ماده ۳، حمله به یا بمباران شهرها، روستاها، منازل مسکونی و ساختمان‌های بی‌دفاع با هر وسیله‌ای؛ و بند (ه) ماده ۳، غارت اموال عمومی یا خصوصی. بند (د) ماده ۳، آشکارا از مواد ۲۷ و ۵۶ قواعد منضم به کنوانسیون چهارم لاهه در خصوص قوانین و عرف‌های جنگ زمینی در ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، الهام گرفته است.

^{۱۲}- تخریب اموال فرهنگی در یوگسلاوی سابق در مقیاس دهشتناکی صورت پذیرفته است. ارزیابی‌های کارشناسان نشان داد که آسیب و خسارت-های فرهنگی وارد آمده در هفت ماه نخست نزاع یوگسلاوها و صرب‌ها در کرواسی، نسبت به زلزله ویرانگر سال ۱۹۷۹ مونته‌نگرو شدیدتر و از نبرد چهارساله یوگسلاوی در جنگ دوم جهانی بیشتر بوده است. ببینید: (Boylan, 1993, para. 13.9).

13- UN Committee of Experts

^{۱۴}- در بخش مربوط به قانون قابل اجرای گزارش پایانی کمیسیون کارشناسان ملل متحد، به طور صریح به ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه اشاره شده است (UN Committee of Experts, 27 May 1994, para. A). یکی از نویسندگان، عدم اشاره گزارش به ماده ۱۸ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه

بنابراین، بازتاب مقررات غیردقیق و قدیمی در متن نهایی اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، در پرتو این واقعیت که تمامی متخاصمان شرکت کننده در جریان اتفاقات یوگسلاوی سابق طرف کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل نخست آن بودند،^{۱۵} اسفانگیز است. مخاصمه غیربین‌المللی رخ داده در یوگسلاوی سابق نمایشی خیره کننده از خسارات عظیم وارده به ابنیه فرهنگی حائز اهمیت فراوان برای بشریت از خلال حملات شدید علیه آن‌ها بود؛ برای اثبات ورود تلفات و خسارات بی‌سابقه و بی‌مانند، اشاره به پل بوستار،^{۱۶} کتابخانه ملی سارایه‌وو و شهر باستانی دوبروونیک^{۱۷} کفایت می‌کند؛ شدت و گستردگی این خسارات به اندازه‌ای است که به بیان برخی نویسندگان، در بسیاری موارد باید این خسارات را یک سیاست سیستماتیک و هدف جنگ قلمداد کرد نه نتیجه و برآیند عملیات-های نظامی و مخاصمه (Walasek, 2016, 109; Ryska, 2020, 231).^{۱۸} فقدان مقررات ویژه در رابطه با جرم‌انگاری اقدامات علیه اموال فرهنگی، می‌تواند تعقیب چنین اقداماتی را با ضعف و ناکامی روبرو نماید.

به هر روی، در رویه قضائی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به وضوح، دلایل شگفت‌آوری مبنی بر پیروی از رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی در تعقیب کیفری برخی اقدامات جلوه‌گری می‌کنند. برای نمونه، در قضیه جوکیچ^{۱۹} که در آن متهم محکوم به حمله توپخانه‌ای به شهر باستانی دوبروونیک شده بود، قضات شدت چنین اعمالی را به حساب آورده و به تفصیل چرایی شدت ذاتی این نوع حملات علیه میراث فرهنگی را مورد تأکید قرار دادند (ICTY, 18 March 2004, paras. 51-54). در کیفرخواست این قضیه، صراحتاً به این واقعیت که شهر قدیمی دوبروونیک، در آن زمان، پیرو کنوانسیون ۱۹۷۲ در خصوص حمایت از میراث طبیعی و فرهنگی جهان^{۲۰} در شمار محل‌هایی که در یونسکو به‌عنوان میراث فرهنگی جهان به ثبت رسیده بوده، اشاره شد. همچنین قضات تأکید داشتند که: «تمام شهر باستانی دوبروونیک، در زمان [وقوع] حوادث گنجانده شده در کیفرخواست، به عنوان بخشی با اهمیت خاص از میراث فرهنگی جهان محسوب می‌شده است. در این میان، مجموعه معماری برجسته‌ای که معرف دورانی مهم از تاریخ بشری بوده است، وجود داشت. حمله توپخانه‌ای به شهر باستانی [دوبروونیک] نه

را مورد انتقاد قرار می‌دهد (Toman, 2009, 265)؛ ولی به نظر می‌رسد اشاره صریح به ماده ۱۹ در گزارش به منظور تأکید بر این بوده است که کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه بر مخاصمات مسلحانه داخلی، یعنی حتی اگر مخاصمه یوگسلاوی سابق را مخاصمه‌ای داخلی به حساب آورد، قابل اعمال است.

^{۱۵} - یوگسلاوی یکی از دول معظم متعاهد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل ۱۹۵۴ آن (پروتکل اول) بود و پس از تجزیه آن، تمام دولت‌های جانشین طرف این اسناد گردیدند: کرواسی (۱۹۹۲)، اسلونی (۱۹۹۲)، بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۳)، جمهوری یوگسلاوی مقدونیه سابق (۱۹۹۷)، صربستان (۲۰۰۱) و مونته‌نگرو (۲۰۰۷).

16- Bostar Bridge

17- Old Town of Dubrovnik

^{۱۸} - در یوگسلاوی سابق، همان‌گونه که تجاوز به عنف به ابزاری برای تخریب هویت دشمن تبدیل شده بود، تجاوز فرهنگی یعنی تخریب و غارت منابع فرهنگی غیرقابل تجدید دشمن نیز به وسیله‌ای برای امحاء تجلی هویت طرف متخاصم مبدل گردید. هم تجاوز به عنف و هم ورود خسارت به اموال فرهنگی، انواعی از «پاکسازی قومی» هستند (نژادی‌منش و افروغ، ۱۳۹۰، ۲۱۴).

19- Jokic

20- 1972 Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage

تنها حمله علیه تاریخ و میراث منطقه، بلکه علیه میراث فرهنگی بشریت نیز بوده است» (ICTY, 18 March 2004, para. 51). آنان همچنین بر این واقعیت که تأکید داشتند که هرچند ترمیم اماکن تخریب شده امکان‌پذیر است، اما هرگز نمی‌تواند ساختمان‌ها را به وضعیت اصلی و اولیه بازگرداند؛ این نوع از ویرانی به واقع غیرقابل جایگزین و جبران‌ناپذیر است (ICTY, 18 March 2004, para. 51).

اگرچه ممکن است گفته شود امکان پیگرد قانونی اقدامات علیه میراث فرهنگی از طریق مفاد غیرصریح اساسنامه دادگاه یوگسلاوی وجود داشت، اما اکنون این امری پذیرفته شده است که اختصاصی بودن قاعده گناهکار قلمداد کردن در حقوق کیفری، همواره یک ویژگی مثبت بوده و وجود مقررات راجع به جرائم معین بیشتری که اعمال علیه اموال فرهنگی با ارزش را مجازات می‌نمایند، مانع از آن نیست که اگر سایر قواعد نیز نقض و ارزش‌های متفاوتی در خطر قرار گیرند، اقدامی مشابه با عناوین متفاوت جرم‌انگاری شود.^{۲۱} این که در رویه دادگاه یوگسلاوی شدیدترین جرائم جنگی علیه اموال فرهنگی، در صورت جمع شرایط و بر اساس ماده (د) ۳، به سان دقیق‌ترین و مشخص‌ترین مقررہ مندرج در اساسنامه در خصوص اموال فرهنگی، مجازات می‌گردند، به راستی مایه شگفتی نیست. به باور ما، تصمیم مبنی بر ارجحیت دادن به ماده (د) ۳ به عنوان قاعده‌ای برای مجازات شدیدترین حملات علیه اموال فرهنگی، بازتاب تمایل روزافزون جامعه بین‌المللی برای تأکید بر اهمیت چنین حمله‌هایی است.

۲- ناسازگاری‌ها و ناهمخوانی‌های اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه

به احتمال قریب به یقین، عدم درج جرائم معین در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از این بابت که موجب بروز ضرورت فوری دائر بر لزوم شمول جرائم کیفری واجد مشخصات اقدامات علیه اموال فرهنگی در متن پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ گردید، دارای پیامدی مثبت بود؛ ولی بی‌گمان در پیش‌نویس قواعدی که اعمال علیه اموال فرهنگی را در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری می‌نمودند، اثری منفی بر جای گذاشت. به واقع، از این چشم‌انداز، تصویب اساسنامه رم یک فرصت‌سوزی بود و مایه تأسف است که مذاکرات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه که برای چندین سال در موازات هم اتفاق افتادند، در مورد تعریف جرائم و سایر مسائل مرتبط با اموال فرهنگی به همگرایی دست نیافتند. اساسنامه رم به رویکرد بسیار سنتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص جرائم علیه اموال فرهنگی تداوم می‌بخشد و متضمن نتایجی به غایت تأسف‌برانگیز است.

^{۲۱}- به گفته زنده‌یاد آنتونیو کسسه، نخستین رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، قضات این دادگاه چندین بار اظهار داشته‌اند که تجمع اتهامات یا محکومیت‌ها، اگر بر مبنای مجموعه‌ای از واقعیت‌های یکسان باشد، قانونی است. دیوان کیفری بین‌المللی نیز رویه‌ای حاکی از کیفرخواست‌های حاوی اتهامات چندگانه، اتخاذ نموده است (Cassese, 2008, 178).

۲-۱- تعریف جرائم: رویکرد قائل به کاربرد غیرنظامی در برابر رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی

همانگونه که همه می‌دانیم، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جرائم جنگی رویکردی دوسویه اتخاذ و جرائم ارتكابی در مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی را جداگانه جرم‌انگاری نموده است. این سیستم دو گانه بر عدم تطابق کامل این دو حوزه دلالت دارد.^{۲۲} مقررات ویژه‌ای که اقدامات علیه عناصر مختلف اموال فرهنگی را منع می‌کنند - ماده ۸(۲)(ب) و ماده ۸(۲)(هـ) - در هر دو نوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به صورت یکسان قابل اعمال هستند و اساسنامه رم، دست کم در این زمینه، با رویکرد کنوانسیون لاهه و پروتکل دوم آن که بدون تبعیض هم در مخاصمات بین‌المللی و هم در مخاصمات غیربین‌المللی اعمال می‌گردند، در یک راستا قرار دارند.

با این حال، آن چه ناکافی می‌نماید، درج مقررات بسیار نوعی و کلی است؛ مقرراتی که متن آن‌ها یادآور لسان قواعد ۱۹۰۷ لاهه است که حاوی فهرستی کلی از اموال تحت حمایت بوده و با در کنار هم قرار دادن ابنیه تاریخی و بیمارستان‌ها و محل‌های گردآوری بیماران و زخمیان به قهقرا می‌رود. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نیاز کاملاً شناخته شده بشریت مبنی بر مطمح نظر قرار دادن رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی، به منظور جرم‌انگاری اعمال علیه اموال فرهنگی حائز اهمیت جهانی، به طور کامل نادیده گرفته شده است.^{۲۳} چه آن که اموال فرهنگی میراث فرهنگی تمام بشریت است و با آسیب به آن‌ها گویی به بشریت خسران وارد آمده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶، ۱۵۲). در بخش پیشین، دلایلی متقن علیه این انتخاب تبیین گردید و واقعاً تأسف برانگیز است که در توصیف اساسنامه رم چنین رویکرد محافظه کارانه و ناقصی در قبال تعریف جرائم علیه اموال فرهنگی به کار برده می‌شود. ولی در سوی دیگر، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه به پیش می‌تازد و بر مبنای تعریف دقیق موجود در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه از اموال فرهنگی، به نحوی آشکار بر آن است تا مجموعه‌ای از نقض‌های شدید علیه مقررات خود را تعریف و مشخص نماید.^{۲۴}

^{۲۲}- این تمایز از وجوه مختلف تأسف برانگیز بوده و به خاطر قهقراپی بودن، به شدت مورد انتقاد متخصصان امر قرار گرفته است (Cassese, 1999, 150). در واقع، جداسازی حقوق مربوط به هر یک از این دو دسته از مخاصمات، حاصل نگرش سنتی حقوق بین‌الملل است که درگیری نظامی میان دو یا چند دولت را جنگ به شمار می‌آورد و درگیری نظامی در داخل سرزمین یک دولت را شورش و نافرمانی گروهی مسلح بر ضد حکومت (قربان‌نیا، ۱۳۹۰، ۲۲۴).

^{۲۳}- به وارون آن (بالعکس)، مواد (د) ۸۵ و ۵۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، ماده ۱۶ پروتکل دوم الحاقی و بند (د) ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، همگی دست کم به منع اقدامات علیه میراث فرهنگی اختصاص یافته بودند. به‌ویژه، هر دو پروتکل الحاقی به «ابنیه تاریخی، آثار هنری و عبادتگاه‌ها که میراث فرهنگی یا معنوی ملت‌ها را شکل می‌دهند» اشاره دارند.

^{۲۴}- ماده ۱۵ پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه که به تعدی‌های مجرمانه شدید از پروتکل، اختصاص پیدا کرده است؛ (۱) هر شخص مرتکب جرمی در قلمرو معنایی این پروتکل می‌گردد اگر آن شخص به صورت عمدی و در تعدی از کنوانسیون و این پروتکل مرتکب هر یک از اعمال پیش رو شود: الف) هدف حمله قرار دادن اموال فرهنگی تحت حمایت افزوده؛ ب) استفاده از اموال فرهنگی تحت حمایت افزوده و محیط جانبی آن‌ها در پشتیبانی از اقدامات نظامی؛ ج) تخریب گسترده یا تصرف اموال فرهنگی تحت حمایت کنوانسیون و این پروتکل؛ د) هدف حمله قرار دادن اموال فرهنگی تحت حمایت کنوانسیون و این پروتکل؛ هـ) سرقت، غارت یا مصادره یا اقدامات خرابکارانه علیه اموال فرهنگی تحت حمایت کنوانسیون»

ویژگی مهم دیگر که در پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تجسم یافته و به روشنی در پی تقویت رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی است، ابداع تفکیک میان جرائم علیه میراث فرهنگی از لحاظ شدت جرم است. در واقع، پروتکل دوم به صورت عملی بین دو دسته از جرائم تمایز قائل می‌شود: جرائمی که علیه اموال تحت حمایت افزوده^{۲۵} قرار دارند، متضمن تبعات شدیدتری از لحاظ مجازات مرتکبین هستند. عملاً، تمام جرائم برشمرده شده در ماده ۱۵ پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، نقض‌های جدی و شدید به حساب می‌آیند. ولی، تنها سه جرم نخست، که در میان آن‌ها دو جرم نخست در بین جرائم علیه اموال فرهنگی تحت حمایت افزوده قرار دارند، با آن چه در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی نقض‌های فاحش خوانده می‌شوند، یکسان‌اند. بر این اساس، کشورهای عضو موظف به استرداد یا محاکمه مرتکبان چنین نقض‌های فاحشی، یعنی اعمال صلاحیت جهانی به هنگام حضور مجرم ادعایی در سرزمین شان، هستند.^{۲۶} به عقیده ما، ابتکار تفکیک میان اعمال ارتكابی علیه عناصر مختلف اموال فرهنگی^{۲۷} از لحاظ شدت و حدت عمل ذریبط و بذل اهمیت افزون‌تر به اعمال ارتكابی علیه میراث فرهنگی، کاملاً با یکی از کارویژه‌های حقوق کیفری همخوانی دارد: بیان مجازات و به بیان دقیق‌تر، نه فقط بیان وقایع عمل متخلفانه بلکه بیان تفصیلی درجه شدت و جدیت عمل متخلفانه نیز. به سخنی دیگر، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، اهداف عدالت کیفری کارآمد را بهتر تأمین می‌نماید و محقق می‌سازد.

در تکاپو برای سازگاری بین دو سند حقوقی در دست بررسی، دست کم یک ویژگی مثبت یعنی پرداختن صریح به جرائم علیه اموال فرهنگی هم در مقررات پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و هم در اساسنامه رم را می‌توان یافت. هیچ کدام از این مقررات، وقوع تخریب را برای کیفر دادن اعمال علیه اموال فرهنگی لازم نمی‌دانند. همین که حملات عمداً علیه اموال تحت حمایت هدایت شده باشند، برای پیگرد و مجازات مرتکب کفایت می‌کند.

۲-۲- خلاصه: حمایت از اموال منقول

25 - Enhanced protection

شایان ذکر است که حمایت افزوده سیستم حمایتی پروتکل دوم می‌باشد که به دلیل عدم کارایی مؤثر و به علت کم‌اقبالی سیستم حمایتی کنوانسیون ۱۹۵۴ یعنی سیستم حمایت ویژه از سوی کشورهای عضو، جایگزین آن گردیده است.

^{۲۶} با وجود این، استثنایی در ماده ۱۹ که معیار صلاحیت را ایجاد نموده و به ویژه در بند (ب) ۲ مقرر شده است: «به استثنای میزانی که کشوری که طرف این پروتکل نیست، ممکن است مطابق با بند ۲ ماده ۳ مقررات آن را پذیرفته و اجرا نماید، اعضای نیروهای مسلح و اتباع کشوری که طرف این پروتکل نمی‌باشد، به موجب این پروتکل متحمل مسئولیت کیفری فردی نشده و این پروتکل تعهدی را مبنی بر اعمال صلاحیت بر یا استرداد چنین اشخاصی، بار نمی‌کند.»

^{۲۷} دو نقض پایانی گنجانده شده در ماده ۱۵، به علت این که همان اعمال در شمار جنایات جنگی مقرر در اساسنامه رم درج شده بودند، عنوان گردیدند و از این رو، آن‌ها را نمی‌توان در مقررهای عام با عنوان سایر نقض‌ها آورد که بدون مشخص نمودن روش‌ها، تنها از کشورها می‌خواهد که چنین اعمالی را سرکوب نمایند. دو نقض پایانی، جنایات جنگی به حساب می‌آیند، اما دولت‌ها تنها موظفند آن‌ها را از طریق مبانی سنتی برای صلاحیت یعنی صلاحیت سرزمینی و تابعیت فعال، سرکوب نمایند. هیچ تعهدی مبنی بر اعمال صلاحیت جهانی وجود ندارد، هرچند دولت‌ها مجاز به این کار هستند.

اشکال جدی دیگری که به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وارد می‌باشد این است که، در مقرراتی که امکان دارد برای ایراد اتهام در خصوص اقدامات علیه اموال فرهنگی به کار گرفته شوند، هیچ اشاره‌ای به اموال فرهنگی منقول نشده است. برای پی بردن به جدی بودن این کاستی‌ها کافی است نابودی هزاران نسخه قدیمی در کتابخانه ملی سارایه وو و غارت موزه ملی بغداد را به یاد آورد و مثال زد. به وارون آن، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، اقدامات علیه این نوع از اموال را در شمار اعمالی که باید کیفر داده شوند، می‌آورد. همان گونه که در بالا یادآوری شد، پروتکل دوم بر مبنای تعریف مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه از اموال فرهنگی که اموال منقول را نیز دربرمی‌گیرد نگارش یافته است و در طی مذاکرات، کشورهای متعددی بر لزوم تحت شمول بودن چنین اموالی تأکید داشتند. افزون بر آن، می‌توان به ماده ۵۳ پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو با عنوان «حمایت از اشیاء فرهنگی و عبادتگاه‌ها»^{۲۸}، ماده (د) ۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که شامل «حمایت از آثار علمی و هنری» است و ماده ۷ قانون شعب فوق‌العاده کامبوج که تنها مقرر جزائی گنجانده شده در اساسنامه یک محکمه بین‌المللی مختلط است که پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، تعقیب قضائی را مقرر داشته و در نتیجه پیوندی مستقیم با تعریف موسع از اموال فرهنگی مندرج در آن جا ایجاد کرده است، اشاره نمود.^{۲۹}

مقررات اساسنامه رم که می‌توان در خصوص تصرف^{۳۰} یا مصادره^{۳۱} اموال به آن‌ها رجوع نمود، ماده (۲)(الف)(۴) و (۲)(ب) ۸ و در رابطه با مقررات ناهي غارت اموال فرهنگی ماده (۲)(ب) ۸(۱۶) و (۲)(ه) ۸(۵) هستند. با وجود این، در نگاهی موشکافانه‌تر، تنها مقرراتی که غارت را نهی می‌کنند را می‌توان در ایراد اتهام در خصوص اقدامات علیه اموال منقول به کار برد؛ چرا که دو مقرر نخست - جدای از این که فاقد ویژگی اختصاصی بودن هستند - معمولاً با این عنوان که به اموال غیرمنقول اشاره دارند، تفسیر می‌گردند. افزون بر این، آن‌ها فقط در مخاصمات بین‌المللی قابل اعمال‌اند، حال آن که ممنوعیت چپاول و غارت در مقررات پروتکل‌های الحاقی که به ترتیب در مخاصمات بین‌المللی و داخلی قابل اعمال می‌باشند، درج شده است.

با این حال، جرم غارت یکی از سازش‌های نامیمون در رم بود. اجرای قواعد پیشین که غارت یا چپاول را کیفر می‌دادند، منوط به وجود ضرورت نظامی و در راستای عقیده مبتنی بر مجازات هر گونه تصاحب اموال خصوصی و عمومی نبود و در خلال مذاکرات اساسنامه دیوان، نمایندگان برخی کشورها تلاش نمودند تا ضرورت نظامی را به عنوان توجیهی احتمالی برای عمل غارت، معرفی نمایند. با وجود این که آن‌ها نتوانستند ضرورت نظامی را در

^{۲۸} - ماده ۵۳: «بدون خدشه به مقررات کنوانسیون ۱۴ مه ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و سایر اسناد بین‌المللی ذیربط؛ الف) ارتکاب هر عمل خصمانه هدایت شده علیه ابنیه تاریخی، آثار هنری یا عبادتگاه‌ها که میراث فرهنگی یا معنوی ملت‌ها را تشکیل می‌دهند؛ ب) استفاده از چنین اموالی در پشتیبانی از مساعی نظامی؛ ج) هدف اقدامات متقابل قرار دادن این اموال، ممنوع است.» همچنین بنگرید به: مواد ۸۵(۴)(ج) و ۱۶ پروتکل دوم الحاقی.

^{۲۹} - قانون کامبوج پس از اساسنامه رم به تصویب رسید، ولی بحث راجع به ایجاد یک محکمه بین‌المللی یا مختلط برای پرداختن به جنایات ارتکاب یافته گذشته در کامبوج، از اوایل سال ۱۹۹۷ آغاز گردید.

تعریف جرم بگنجاند - که بدین معناست که ضرورت نظامی یکی از عناصر جنایت جنگی غارت نمی‌باشد - ولی در درج ضرورت نظامی در پانوشتی برای عناصر جرم که بیان می‌دارد: «همان طور که با استفاده از اصطلاح کاربرد شخصی یا خصوصی نشان داده شده است، مصادره‌هایی که با توجیه ضرورت نظامی صورت پذیرفته‌اند، نمی‌توانند جرم غارت را محقق سازند»، کامیاب شدند. عناصر جرم برای قضاات دیوان کیفری بین‌المللی الزام‌آور نیستند. با این حال، اشاره صریح به ضرورت نظامی در رابطه با ممنوعیتی که در جای دیگر به اطلاق منع شده است، ناامیدکننده و راهزن است.

۲-۳- محدودیت‌های احتمالی: چه مجالی به ضرورت نظامی داده شده است؟

سوی مثال غارت که در بالا تشریح گردید، ضرورت نظامی یکی از مهم‌ترین استثنائات مطرح‌شده به شمار می‌رود که ممکن است برای نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به کار گرفته شود و همواره به منظور توجیه حملات علیه اموال فرهنگی به آن استناد شده است. در اصل دولت‌ها برای اجتناب از مسئولیت به این استثنا استناد می‌کنند، اما فرمول مشابهی از ضرورت نظامی در قواعد حقوق کیفری درج گردیده و در چندین مقررہ مندرج در اساسنامه رم، ظهور پیدا کرده است. استثنای ضرورت نظامی، در مقرراتی که آن را مقرر داشته‌اند، در میان عناصر جرائم متشابه^{۳۲} به حساب آمده است.^{۳۳} از این بابت، نمی‌توان آن را دفاع به معنای کامل کلمه تلقی نمود: برای متهم نمودن یک خوانده بنا به سببی مشخص،^{۳۴} باید فقدان ضرورت نظامی که عنصری از عناصر جرم است از سوی دادستان ثابت شود.

ضرورت نظامی، به چنین نحوی که به صراحت اقدامات علیه اموال فرهنگی را منع می‌کند، در مفاد اساسنامه رم بروز نیافته است. با وجود این، همان‌گونه که در بالا به اختصار آمد، ممکن است مسئولیت مرتکب برای اعمال علیه اموال فرهنگی به موجب مفاد مختلفی که استثنای ضرورت نظامی را مقرر می‌دارند، رخ دهد. به علاوه، نبود تعریفی از ضرورت نظامی و ابهام ماده ۳۱ اساسنامه رم - که عوامل رافع^{۳۵} مسئولیت کیفری را مقرر می‌دارد - به کسی مجوز این را نمی‌دهد که توانایی خوانده‌های متهم به ارتکاب اعمال علیه اموال فرهنگی در اقامه ضرورت نظامی به عنوان دفاع را انکار نماید و نگرانی‌هایی را در خصوص محدوده‌ای که ضرورت نظامی را می‌توان به عنوان دفاع به کار گرفت، بر می‌انگیزند. طبق ماده (ج)(۱) ۳۱، یکی از دلایل رافع مسئولیت کیفری چنین است: «شخص مرتکب به نحوی معقول در دفاع از خود یا شخصی دیگر یا، در مورد جنایات جنگی، در دفاع از اموالی که برای نجات آن شخص یا شخص دیگر یا اموالی که برای انجام یک مأموریت نظامی حیاتی‌اند، علیه کاربرد حتمی و

32- Corresponding crimes

۳۲- برای مثال ببینید؛ ماده (۲)(الف)(۴) «تخریب گسترده و مصادره اموال بدون توجیه ضرورت نظامی و انجام‌پذیرفته به صورت عامدانه و غیرقانونی»؛ ماده (۲)(ب)(۱۳) «تخریب یا تصرف اموال دشمن مگر این که چنین تخریب یا تصرفی مقتضای حیاتی ضروریات جنگ باشد»؛ ماده (۲)(ث)(۱۲) «تخریب یا تصرف اموال خصم مگر این که چنین تخریب یا تصرفی مقتضای حیاتی ضروریات مخاصمه باشد».

34 - Under a certain count

35 - Excluding

نامشروع زور به روشی متناسب با درجه خطر تهدیدکننده خود شخص یا شخص دیگر یا اموال حمایت شده، عمل نماید.»

برخی از نویسندگان ابراز نگرانی کرده‌اند که ممکن است این مقرر به عنوان مجوزی برای تشبث به ضرورت نظامی تفسیر شود (Van Sliedregt, 2003, 259; Knoops, 2007, 76 & 136) و بر ابهام این عبارت و معایب بالقوه آن تأکید کرده‌اند (Cassese, 1999, 155)، حال آن که سایرین بر این باورند که دامنه آن بسیار محدودکننده است (Hayashi, 2010, 39). به نظر می‌رسد پیش‌بینی حالت ضرورت نظامی در حقوق حمایتی حاکم بر اموال فرهنگی، با روح و اصول اساسی اسناد ذیربط که همانا حفظ میراث فرهنگی بشریت است، سازگاری ندارد. شوربختانه، حق توسل به ضرورت نظامی تا اندازه زیادی به ارزیابی شخصی فرمانده صحنه نبرد و اوضاع و احوال غیرثباتی بستگی دارد که این ضرورت باید در آن اعمال شود. یک فرمانده نظامی حتی اگر حسن نیت هم داشته باشد، به آسانی می‌تواند راحت‌طلبی نظامی خود را ضرورت نظامی تعبیر و تفسیر کند. در نتیجه، این امکان وجود دارد که میراث فرهنگی تمام بشریت، قربانی منافع محدود متخصصان گردد (نژندی‌منش، ۱۳۸۴، ۵۳).

آن چه که ممکن است به تفسیر آتی این قاعده ربط پیدا کند، رویه قضائی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق است که در چندین موقعیت مجبور به بیان مرزهای ضرورت نظامی شده و نمایانگر نقطه ارجاعی بس مهم برای قضایای بالقوه بعدی می‌باشد. اگرچه توجیه ضرورت نظامی تاکنون هیچ‌گاه از جانب این دادگاه پذیرفته نشده است، لکن تصمیمات مختلفی نشان داده‌اند که کنار آمدن با این مفهوم در حقوق بین‌الملل کیفری تا چه حد دشوار است (ICTY, 31 January 2005, paras. 328-330). فی الواقع، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و به-ویژه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، از رهگذر رویه قضائی خود، حقایق بسیاری را در مورد عفریته جنگ، ریشه‌های آن و پیامدهای دهشتناکش آشکار ساختند که در تاریخ عدالت‌خواهی و صلح‌جویی انسان ثبت خواهد شد (کرمی، ۱۳۹۸، ۲۸).

مواد (۲) (ب) (۸) و (۲) (ث) (۸۴) - صریح‌ترین و مشخص‌ترین مقررات اساسنامه رم که به اعمال علیه اموال فرهنگی می‌پردازند - به جای مفاهیم نامشخصی چون مقاصد نظامی^{۳۶} یا ضرورت نظامی، به مفهوم هدف نظامی^{۳۷} اشاره دارند: این امر را می‌توان در مقایسه با لسان مقررات قدیمی‌تر همچون ماده (۱) ۲۷ مقررات ۱۹۰۷ لاهه، یک پیشرفت تلقی نمود. در واقع این زیربندها، حملات علیه آن دسته از اموال فرهنگی که تبدیل به هدف نظامی نشده‌اند را، جرم انگاری می‌نمایند. اصولاً این کار گام مهمی به جلو است، چرا که مفهوم هدف نظامی بسیار دقیق‌تر تعریف شده و می‌توان آن را مضیق‌تر از مفاهیمی چون ضرورت یا مساعی نظامی^{۳۸} تفسیر کرد. این مفهوم، مستلزم تحقق مجموعه‌ای از شرایط دقیق و معین است: هر استفاده‌ای از مالی معین، مستعد تبدیل آن به هدفی نظامی

36 - Military purposes

37 - Military objective

38- Military effort

نیست.^{۳۹} پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه هنگامی که تلاش می کند ضرورت نظامی را - که در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه ممنوع نشده است - با اشاره به مفهوم هدف نظامی و با مشخص ساختن اموالی که هرگز نباید تبدیل به هدفی نظامی شوند محدود نماید، در مسیری مشابه گام بر می دارد.

با وجود این، چنین تغییر مثبتی، در اساسنامه رم از قسمت عمده معنای خود عاری است؛ چه آن که به وسیله مقرراتی که رفتار صاحب مال که از آن برای مقاصد نظامی استفاده نموده است را جرم انگاری می کنند، تکمیل نگشته است. به دیگر سخن، اگر اعمال علیه اموال فرهنگی را در هنگامی که تبدیل به هدف نظامی شده اند بتوان توجیه نمود، پس ضروری است که اقدام افرادی که همان مال را تبدیل به هدفی نظامی کرده اند را نیز جرم انگاری کرد: برای ارتقای حمایت از اموال فرهنگی از طریق ضمانت اجرای کیفری، باید هر دو روی این سکه را به حساب آورد. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه از پیش، هر گونه استفاده ای از اشیاء تحت حمایت که ممکن است آن ها را در معرض خطر تبدیل به هدف نظامی قرار دهد ممنوع نموده و پروتکل های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون های ژنو، به صراحت استفاده از اموال فرهنگی در پشتیبانی از مساعی نظامی را، نهی می کنند. ممنوعیت اخیر مکمل و قرینه حیاتی احترام مقتضی به موجب مقرره ای است که اقدامات خصمانه هدایت شده علیه اشیاء حمایت شده را منع می کند، «چون استفاده از چنین اشیائی در حمایت از مساعی نظامی در واقع آشکارا منافعی با تعهد خصم مبنی بر محترم شمردن آن ها خواهد بود» (ICRC, 1987, para. 2069).

درج مقرره ای که استفاده از اموال فرهنگی (به ویژه استفاده از اموال فرهنگی تحت حمایت افزوده) و یا محیط جانبی آن ها در پشتیبانی از عملیات نظامی را مجازات می نماید در پروتکل دوم، در زمره مقرراتی که متضمن امکان اعمال صلاحیت جهانی از جانب دولت ها هستند، ستودنی است. با انجام این کار، دیگر مجالی برای ملاحظات مربوط به ضرورت نظامی باقی نمی ماند: هم امکان مجازات کسانی که به اموال حمایت شده حمله نموده اند وجود دارد و هم آنانی که آن ها را در معرض سلب مصونیت قرار داده اند؛ و از این رو، حمایت بیشتری از اموال فرهنگی عرضه داشته و توان بالقوه بسیار بالاتری از لحاظ بازدارندگی و پیشگیری از ارتکاب جرم در بر دارد. روی هم رفته، به نظر می رسد پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، نسبت به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، برای حمایت از اموال و میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و به ویژه در چهارچوب جنایات جنگی ابزار مناسب تری است و کارآمدی بیشتری دارد و چنین می نماید که این تناسب و کارآمدی را باید در رویکردی که نسبت به اموال فرهنگی اتخاذ نموده و در نگاه آن، این اموال واجد ارزشی ذاتی قلمداد شده اند سراغ گرفت.

نتیجه

^{۳۹} - مفهوم هدف نظامی برای اولین بار در بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی تعریف گردید که بیان می دارد: «حملات باید به طور انحصاری به اهداف نظامی محدود شوند. مادامی که اشیاء مدنظرند، اهداف نظامی به اشیائی که از نظر ماهیت، محل استقرار، هدف یا کاربرد کمک شایانی به [انجام] عملیات نظامی می نمایند و تخریب جزئی یا کلی و تصرف یا بلااستفاده کردن آن ها، در شرایط حاکم در آن هنگام متضمن مزیت نظامی مشخصی است، محدود شده اند.»

فرهنگ همان چیزی است که موجب پیوند گذشته و حال و ایجاد ارتباط میان نسل‌های پیشین و کنونی می‌گردد و از رهگذر آن پیوستگی هویتی و تاریخی یک قوم، ملت و در کل بشریت حفظ می‌شود. بی‌گمان، میراث فرهنگی به سان یکی از آشکارترین تجلی‌ها و عناصر فرهنگ، در این میان نقشی بی‌همتا بازی می‌کند و در نتیجه حفاظت از آن‌ها در هر زمان و مکانی امری است بایسته که هرگز نباید از یاد برود و به حاشیه رانده بشود. جغد شوم جنگ، افزون بر این که جان آدمیان را می‌گیرد، آواز تلخ ویرانی گنجینه‌های فرهنگی اقوام، فرهنگ‌ها و ملت‌ها را نیز زمزمه می‌کند و نابودی فرهنگ و میراث فرهنگی بشر را به نظاره می‌نشیند. از این رو، با توجه به گریزناپذیری جنگ در زندگی آدمی‌زادگان، حقوق بین‌الملل باید به همان اندازه که در راستای کاهش تلفات و رنج غیرضروری انسان‌ها بکوشد، در جهت حراست حداکثری از میراث فرهنگی و تاریخی جهان نیز همت بگمارد. نگاه ابزاری به حمایت از میراث فرهنگی و اتخاذ رویکرد مبتنی بر کاربرد غیرنظامی در جرم‌انگاری جرائم علیه این میراث و پیگرد مرتکبین آن‌ها، افزون بر ناسازگاری با روح حاکم بر اسناد مرتبط با حمایت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه که هدف خود را حفظ میراث فرهنگی قرار داده‌اند، از نظر بازدارندگی و پیشگیری به منزله اهداف اصلی جرم‌انگاری در حقوق کیفری، با ناکامی و ناکارآمدی دست و پنجه نرم می‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد نگاه ارزش‌محور و اتخاذ رهیافت قائل به ارزش فرهنگی در قبال جرم‌انگاری اقدامات ارتکاب یافته علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، هم با روح حمایت و حراست از میراث فرهنگی در زمان جنگ سازگار است و هم این که توان بالقوه بیشتری در بازدارندگی و پیشگیری از هدف قرار دادن گنجینه‌های فرهنگی و تاریخی نوع بشر دارد.

بر این پایه، چنین می‌نماید که هم‌اکنون، مهم‌ترین و مناسب‌ترین ابزار برای تعقیب جرائم جنگی ارتکاب یافته علیه اموال فرهنگی، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه است. به این سبب، افزایش تصویب این پروتکل به دست شمار چشمگیری از دولت‌ها و تشویق و ترغیب آن‌ها به اتخاذ قوانین اجرایی که طبق معیار صلاحیتی مقرر در این سند، به قضات داخلی اجازه تعقیب شدیدترین جرائم علیه میراث فرهنگی داده شده است، اهمیت و ضرورتی شایان دارد. اگرچه ناگفته پیداست که دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند بر جرائمی که در اساسنامه گنجانده نشده‌اند اعمال صلاحیت کند، ولی دولت‌ها توانایی این را دارند که به نحوی مطلوب جرائمی که در اساسنامه دیوان گنجانده نشده‌اند را در قانونگذاری داخلی خویش وارد و جاده را برای تغییرات آتی و پیشنهاد در آن‌ها در اساسنامه یادشده، هموار نمایند.

سرانجام یادآور می‌شویم که نتایج به دست آمده در این مقاله در خصوص مزایای رویکرد مبتنی بر ارزش فرهنگی در قبال تعریف جرائم جنگی ارتکاب یافته علیه اموال فرهنگی، به هیچ روی به معنای ناچیز پنداشتن بعد انسانی میراث فرهنگی نیست. به وارون آن، ملاحظات حقوق بشری و بشردوستانه که حمایت از اموال فرهنگی مبتنی بر آن‌هاست، از رهگذر سایر مقررات حقوق بین‌الملل کیفری به‌ویژه از طریق دسته جنایات علیه بشریت، بهتر می‌تواند پیش برونند. شایسته یادکرد است که دسته جنایات علیه بشریت می‌تواند در تعقیب جرائم علیه میراث

فرهنگی در زمان صلح نیز سودمند باشند. به طور خاص، جرم آزار و تعقیب می تواند نقش مهمی در تعقیب جرائم شایع علیه میراث فرهنگی ناملموس ایفا نماید.

منابع

فارسی

- اسلامی نُدوشن، محمدعلی، ۱۳۷۲، **ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آرمان یزد.
- اسلامی نُدوشن، محمدعلی، ۱۳۷۶، **مرزهای ناپیدا**، چاپ اول، تهران، انتشارات یزدان.
- جمالی، حمیدرضا، ۱۳۹۰، **میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین الملل**، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ شناسی.
- ذاکر حسین، محمدهادی، ۱۳۹۰، **شمشیر کند عدالت در صیانت از میراث فرهنگی، فصلنامه پژوهش های حقوقی**، شماره ۲۰.
- صلاحی، سهراب، ۱۳۹۶، **تخریب و غارت میراث فرهنگی در دوران تهاجم و اشغال عراق از منظر حقوق بین الملل کیفری، فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۳.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا، ۱۳۹۶، **حقوق بین الملل بشردوستانه**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- عبداللهی، معاذ و عبداللهی، جوانمیر، ۱۳۹۳، **نسل زدایی فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- فروغی، فضل الله و غنی، کیوان، ۱۳۹۴، **جنایت جنگی علیه میراث فرهنگی در مخاصمه مسلحانه سوریه، دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی**، شماره ۴ و ۵.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، ۱۳۸۹، **حقوق بشر در جهان معاصر؛ جستارهایی تحلیلی از حق ها و آزادی ها**، دفتر دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهردانش.
- قربان نیا، ناصر، ۱۳۹۰، **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قشلاقی نیگجه، افشین و توحیدی، احمدرضا، ۱۳۹۷، **واکاوی جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران از منظر حقوق بشردوستانه، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، شماره ۳، پیاپی ۱۵.
- کرمی، موسی، ۱۳۹۸، **کاوشی در بکارگیری و تبیین حقوق بین الملل عرفی در رویه قضایی دادگاه های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، فصلنامه پژوهشنامه حقوق فارس**، شماره ۳.
- نژندی منش، هیبت الله، ۱۳۸۴، **حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر قضیه یوگسلاوی سابق**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- نژندی منش، هیبت الله و افروغ، محمد، ۱۳۹۰، **حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه: بررسی رویه دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، فصلنامه پژوهش های حقوقی**، شماره ۲۰.

لاتین

- Boylan, Patrick J., 1993, **Review of the Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict (The Hague Convention of 1954), Report**, UNESCO Doc. CLT-93/WS/12 1993.

- Cassese, Antonio, 1999, 'the Statute of International Criminal Court: Some Preliminary Reflections', **European Journal of International Law**, Vol. 10, No. 1, 144-171.
- Cassese, Antonio, 2008, **International Criminal Law**, 2nd ed., Oxford, Oxford University Press.
- Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 14 May 1954, http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CLT/pdf/1954_Convention_EN_2020.pdf
- Hama Rashid, Sulfa Abdullah; Bahaa Omer, Alaa and Khairy Ali, Abdulwaheb, 2020, "Protection of Cultural Property in the Light of International Humanitarian Law", **Journal of Critical Reviews**, Vol. 7, Issue 6: 1021-1028.
- Hayashi, Nobuo, 2010, 'Requirements of Military Necessity in International Humanitarian Law and International Criminal Law', **Boston University International Law Journal**, Vol. 28, No. 1, 39-140.
- ICRC, 1987, **ICRC Commentary on 1977 Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949**, Geneva, Martinus Nijhoff Publisher. https://www.loc.gov/rr/frd/Military_Law/pdf/Commentary_GC_Protocols.pdf
- ICTY, 18 March 2004, **Prosecutor v. Jokic**, Judgment, Trial Chamber, Case No.IT-01-42/1.
- ICTY, 31 January 2005, **Prosecutor v. Strugar**, Judgment/, Trial Chamber, Case No. IT-01-42.
- Knoops, G. A. Alexander, 2007, 2nd ed., **Defenses in Contemporary International Criminal Law**, Leiden, Brill/Nijhoff.
- Ryska, Ivan, 2020, "Types of Cultural Property and Their Protection under International Criminal Law", **International Comparative Law Review**, Vol. 20, No. 1: 220-236.
- Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 26 March 1999, http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=15207&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- Sliedregt, Elies Van, 2003, **the Criminal Responsibility of Individuals for Violations of International Humanitarian Law**, The Hague, Asser Press.
- Toman, Jiri, 2009, **Cultural Property in War: Improvement in protection. Commentary on the 1999 Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict**, Paris, UNESCO.
- UN Committee of Experts, 27 May 1994, **Final Report of the Commission of Experts Established Pursuant to Security Council Resolution 780** (1992), UN doc, S/1994/674.
- UN General Assembly, 9 August 2016, **Report of the Special Rapporteur in the field of Cultural Rights**, submitted to General Assembly by the Secretary General, A/71/317.
- Walasek, Helen, 2016, **Bosnia and the Destruction of Cultural Heritage**, New York, Routledge.



A Study of International Environmental Treaties and Its Impact on the Environmental Future of Tehran Metropolis (Futuristic Study)

Hojjatallah Mirzaei

Assistant Professor, Department of Economics, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran

Safieh Tayebi

PhD in Climatology, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

جستاری در معاهدات بین المللی زیست محیطی و تاثیر آن بر آینده زیست محیطی کلان‌شهر تهران (بررسی آینده نگارانه)

حجت الله میرزایی

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

صفیه طبیبی

دکتری اقلیم شناسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

climalover@yahoo.com

http://orcid.org/0000-0003-2803-9989

Abstract

International treaties are among the sources of international environmental law and one of the most important tools for the development of international law. Today, most treaties are in the field of international environmental law and its protection. The evolution and diversity of treaties subject to be evaluated in this context have been caused to follow the conventions of a member and on the other hand be considered holistically course of diplomacy in the process of implementing the treaties. The reason is the standard process of balance is necessary to maintain the status quo on the implementation and effectiveness of treaties. Therefore, since that all issues related to the environment and its effects on the Trans boundary Biosphere inclusive, it is therefore imperative that national and international multilateral studies and studies be carried out in the development of these treaties. In this context, this study aimed to assess and analyze recreating sustainable cities of the world, pays to the environmental impact on the future of environmental treaties Tehran, future studies in this field. This study seeks to answer the question, how could re-create synergies can be sustained mutual interaction between environmental treaties and Tehran? This interdisciplinary study paves the way for the growth and promotion of passive attitudes towards the indigenous environment.

Keywords: International Treaties, Tehran Metropolis, Futurism, Sustainable Urban Regeneration, Diplomacy.

چکیده

معاهدات بین المللی از جمله منابع حقوق بین الملل محیط زیست و یکی از مهم ترین ابزارهای توسعه حقوق بین الملل محسوب می گردند. امروزه بیشترین معاهدات، در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست و حفاظت از آن می باشد. سیر تحول و گوناگونی موضوعی معاهدات در این زمینه سبب گردیده است تا از یک سو پیروی معاهداتی اعضا مورد ارزیابی و از طرف دیگر سیر دیپلماسی کلی نگر در فرآیند اجرایی معاهدات مدنظر قرار گیرد. این روند از آن جهت است که استاندارد تعادلی برای حفظ وضعیت موجود در جهت اجرا و اثرگذاری معاهدات ضرورت دارد. بنابراین، از آنجایی که کلیه مسائل مرتبط با محیط زیست فرامرزی است و آثار آن بر روی کره مسکون فراگیر است، در مسیر توسعه این معاهدات، جزئی نگری و مطالعات چندوجهی ملی و بین المللی در این خصوص ضروری می نماید. در این راستا این پژوهش با هدف تبیین و واکاوی باز آفرینی پایدار جهان شهرها، به اثرگذاری معاهدات زیست محیطی بر آینده محیط زیست کلان‌شهر تهران می پردازد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که نحوه تعامل دوسویه معاهدات محیط زیستی و کلان‌شهر تهران چگونه می تواند سبب توان افزایی باز آفرینی پایدار این شهر باشد؟ این مطالعه میان رشته‌ای زمینه ساز رشد و ارتقاء نگرش های منفعل به محیط زیست بومی می شود.

واژگان کلیدی: معاهدات بین المللی، کلان‌شهر تهران، آینده نگاری، باز آفرینی پایدار شهری، دیپلماسی.

Received: 2019/08/25 - Review: 2021/01/14 - Accepted: 2021/03/12

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴ - بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ - پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲

مقدمه

آینده‌نگاری در دنیای مدرن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تنوع خطرات و بحران‌های پیش‌روی کلان‌شهرهای امروز، تعدد بازیگران دارای نقش‌های اساسی در شهرها و پیچیدگی مدیریت و کنترل آن‌ها همچنین نیاز به تصمیمات قاطع، سریع و صحیح در شرایط گوناگون، لزوم مطالعه، پایش و نگاشت سناریوهای مختلف آینده کلان‌شهرها را روشن می‌سازد.

سطح کیفیت زندگی در کلان‌شهرها دارای ابعاد گوناگونی است که کیفیت محیط زیست از مهم‌ترین آن‌هاست. مقیاس فراملی، اهمیت و حوزه اثرگذاری عوامل و شاخص‌های زیست‌محیطی سبب شده که در سطح بین‌المللی معاهدات مختلفی برای حفظ و نگهداری و یا ارتقاء محیط‌زیست شکل بگیرد. اصولاً مقیاس رخداد و عمل معاهدات بین‌المللی، بسیار کلان و در سطح دولت‌هاست ولی نباید از نظر دور داشت که یک پدیده ریزمقیاس که ممکن است در سطح کوچکی از یک کلان‌شهر رخ بدهد، موضوع یک معاهده مهم بین‌المللی را شکل می‌دهد و یا پدیده فراگیر و مهمی چون انتشار گازهای گلخانه‌ای با عملکرد مهم جهانی از کوچک‌ترین مقیاس‌های شهری تا بزرگ‌ترین مزارع و اقیانوس‌ها را در خود دخیل دارد. آن چه انسان در آن موثر است و با برنامه‌ریزی‌هایی می‌تواند تحت کنترل خود درآورد در مقیاس شهرهاست. از این رو به نظر می‌رسد می‌بایست پیمان‌های بین‌المللی را به عنوان یکی از پیشران‌های اثرگذار بر کلان‌شهر تهران مورد مطالعه قرار داد (معاونت برنامه ریزی، ۱۳۹۷، ۱۶-۱۸).

زمانی که سخن از معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی به میان می‌آید، مقیاسی ملی و جهانی و ماهیتی کاملاً سیاسی به ذهن متبادر می‌شود، ولی آیا می‌توان آن‌ها را در مقیاس شهرها مورد بررسی قرار داد؟ امروزه مشارکت همکاری در سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی موقعیت خاصی در سیاست‌گذاری حکمروایی شهری به عنوان یک ابزار، برای کلان‌شهرها، ایجاد می‌کند. کلان‌شهرها به عنوان مراکز تولید و مدیریت منابع مالی و تکنولوژیکی تأثیر بالایی در روند بروز و اجرای معاهدات بین‌المللی دارند. به‌ویژه که در نظم جدید بین‌الملل، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی نیز می‌توانند در محیط بین‌الملل در مقولاتی چون محیط زیست ایفای نقش کنند. به اذعان بسیاری از پژوهشگران، اثربخشی فعالیت‌ها و اقدامات کاهش و سازگاری اثرات تغییرات اقلیمی، از شهرها آغاز می‌شود. شهرها نقشی کلیدی در برنامه‌های اقدام برای تغییر اقلیم دارند زیرا هم بزرگ‌ترین تشدیدکننده‌های تغییرات اقلیمی هستند و هم خود آسیب‌پذیرترین عنصر در مقابل تغییرات اقلیمی به‌شمار می‌روند. در معاهدات بین‌المللی با موضوع گازهای گلخانه‌ای، تغییرات اقلیمی و برخی مسائل زیست‌محیطی به شهرها به چشم یک راه‌حل نگاه می‌شود. مهم‌ترین اثرات پیمان‌های بین‌المللی بر شهرها، التزام دولت‌ها به تولید گزارش‌های دوره‌ای، آموزش‌های عمومی رسمی و غیررسمی، حمایت از انجمن‌ها و اصناف کوچک تأثیرگذار در موضوع، التزام شرکت‌ها و کارخانجات بزرگ به رعایت اصول و استانداردهای مصوب و ارتقاء سطح مدیریت زیرساختی-عملکردی می‌باشد و از آن جا که کلان‌شهرها موتور محرکه رشد و توسعه کشورها و محل بروز و ظهور انواع نوآوری‌ها هستند، محمل چنین

مأموریتی از جانب دولت‌ها به حساب می‌آیند (بهرام سلطانی، ۱۳۸۴، ۱۳). شهرهای جهانی در کنار هم می‌توانند نقش مهمی در این زمینه بازی کنند، مثلاً در مجمع شهرداران اعتقاد بر این است که هیچ شهری نمی‌تواند مانند یک جزیره به تنهایی عمل کند مخصوصاً در این شرایط تغییر اقلیم. در این مجمع عنوان شد که برخی شهرهای آمریکائی از سونامی و هاریکن در خطر هستند ولی موضوع فقط مختص آن‌ها نیست و سایر شهرها نیز از تبعات اقتصادی- اجتماعی این موضوع متاثر خواهند شد. این موضوع در منطقه خاورمیانه و کشور ایران می‌تواند برای موضوع خشکسالی‌های انباشته رخ داده در سال‌های اخیر، موضوعیت داشته باشد. از آن‌جا که بسیاری از تحولات در سطح جهانی، امروز ریشه در وقایع و جریان‌های محلی دارند، راهبردها و سازکارهای مدیریت محلی می‌توانند آثار و تبعات کلان و فراگیر بیابند. لذا در بعد اقدام برای محیط زیست بهتر یا به بیان دیگر اجرای معاهدات بین‌المللی نیز شهرها (که خردترین رخدادهای زیست محیطی در آن‌ها در حال وقوع هستند) سطح اجرایی معاهدات را شکل می‌دهند.

۱- معاهدات بین‌المللی زیست محیطی

مشکلات زیست محیطی، مرزهای سرزمینی را رعایت نمی‌کنند؛ مشکل آلودگی آب‌های مرزی، مشکل ریزگردها، مشکل آلودگی هوای ناشی از صنایع بزرگ و منابع متحرک، غالباً چندمقیاسی هستند. مقیاس اثرگذاری و اثرپذیری این پدیده‌ها روی طیفی از مساحت کوچک یک محله در شهر تا مقیاسی جهانی قرار دارد. تغییر اقلیم و تغییر محیط اکولوژیک، در حال رخ دادن هستند و اقداماتی از مقیاس محلی تا فراملی را می‌طلبند. این اقدامات گاهی باید به صورت قانون و هنجاری درآیند تا در جامعه بعد اجرایی پیدا کند. پدیداری هنجارها و قوانین نگاهداشت محیط زیست، از حقوق داخلی آغاز می‌گردد و به محیط بین‌المللی تعمیم می‌یابد. در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، بسط نگرانی‌های ملی به محیط بین‌المللی و هم‌افزایی توانمندی بازیگران بین‌المللی برای مقابله با آلودگی‌های زیست محیطی، حقوق بین‌الملل محیط زیست را حیات بخشید. ایجاد چنین روندی نشأت گرفته از چند عامل اساسی بوده است: آگاهی از بدون مرز بودن آلودگی‌های زیست محیطی و عدم تبعیت عناصر زیستی از علقه‌های حقوقی-جغرافیایی، بهره‌گیری از توان مجموعه‌ای از دولت‌ها، تحرک بخشی هنجارگرایی‌های زیست محیطی (کنت لری و پی سو پاتی، ۱۳۹۴، ۱۲۴). اثر دوسویه مستقیم و غیرمستقیم شهرها و تغییر اقلیم بر یکدیگر در اسناد مختلف بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ با بررسی زمینه‌های اجرایی مختلف و تولید و تدوین راهکارهای اساسی، این اسناد شهرها را به سوی محیط زیست بهتر رهنمون می‌شوند. کاربرست و اجرای راهکارهای این توافقنامه‌های بین‌المللی، نیازمند دولت‌های محلی قوی و مشارکت اجتماعی است. به‌ویژه در شهرهایی که در سطح جهانی اثرگذاری بالایی دارند. این موضوع ظرفیت‌های زیر را نیاز دارد: شناخت شیوه-های اجرای معاهدات بین‌المللی در سطح محلی؛ ارتباط اقدامات در سطح بین‌المللی و محلی؛ یک مدل چهارچوب سیاست‌گذاری برای دولت‌های محلی در مدیریت زیست محیطی؛ شرح نقش‌ها و وظایف ذی‌نفعان محلی در اقدامات؛ شناخت ظرفیت‌ها و مهارت‌های محلی جهت اقدامات لازم.

معاهدات بین‌المللی و الزامات اجرایی آن‌ها، در شهرها پاسخ‌هایی چون اقدامات محلی، ارتقاء سطح اطلاعات و دانش فنی، ارتقاء سطح استراتژی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، ارتقاء سطح کارایی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست را دریافت می‌کند.

۱-۱- مفهوم شناسی معاهداتی

معاهده بین‌المللی، تنظیم مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات راجع به دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی به صورت غالباً نوشته است که در نتیجه اشتراک نظر کلی مجموعه‌ای از این بازیگران، نگارش یافته و مورد پذیرش آن‌ها قرار می‌گیرد (طیعی، ۱۳۹۵، ۴۵). معاهده، یکی از گسترده‌ترین و اصلی‌ترین منابع حقوق بین‌الملل و به ویژه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که تنظیم و قاعده‌سازی رفتار بین‌المللی را در یک یا چند حوزه زیست‌محیطی به صورت شفاف و نوشتاری جلوه‌گر می‌سازد و امکان پیگیری و توسعه و تکامل آن‌ها را در گذر زمان از طریق ساختارهایی معین فراهم می‌آورد. معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی، از ویژگی‌هایی کلی برخوردارند که آن‌ها را از دیگر معاهدات متمایز می‌نمایند. این ویژگی‌ها را می‌توان چنین برشمرد: رو به جهان‌شمولی؛ غیرسیاسی و غیرامنیتی؛ رویکرد بخشی (جزء به جزء) و حیطه بندی شده؛ رسمی و به شرط تصویب؛ متحرک و پویا (دارای اسناد مکمل و تکمیلی)؛ متکی به اقدامات اولیه و پشتیبانی ملل متحد. بر اساس ماده ۹ قانون مدنی، معاهدات بین‌المللی مصوب که سازگار با قانون اساسی باشند، از نظر اجرا و اعتبار «در حکم قانون» هستند و می‌توانند در نظام هنجاری کشور موجب حقوق و تکالیف گردند. مفاد این سلسله معاهدات و موافقتنامه‌های زیست‌محیطی نیز در درجه اول، مرجع و مراجع ملی را به تکاپوی فراهم سازی زمینه‌های اجرایی شدن کامل و دقیق این هنجارها ملزم می‌سازند. بر این اساس، قاعده سازی‌های تقنینی و آئین‌نامه‌ای برای اجرای مفاد معاهدات در آن حد که ناظر بر کشورمان می‌باشد، مجلس و دولت را به مشارکت و تحرک می‌طلبد (طیعی، ۱۳۹۶، ۲۳).

۱-۲- معاهدات بین‌المللی با عضویت ایران

در این بخش، تمامی معاهدات بین‌المللی که کشور ایران عضو آن‌ها است آورده شده است. تعدادی از این معاهدات از نظر اثرگذاری و اثرپذیری بر کلان‌شهر تهران، برای ما اهمیت ویژه‌ای دارند. کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض خطر نابودی قرار دارند؛ کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان: هدف کنوانسیون، برقراری شیوه‌های مؤثر جهت حمایت جمعی و مداوم از میراث فرهنگی و طبیعی دارای ارزش‌های جهانی برجسته طبق روش‌های علمی جدید می‌باشد که در نوامبر ۱۹۷۲ مورد تصویب قرار گرفت. کنوانسیون مربوط به تالاب‌های بین‌المللی و تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبرزی.

کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه ازن: لایه محافظ ازن که زمین را از پرتوهای زیان‌بار خورشید (پرتوهای فرابنفش) محافظت می‌کند، بر اثر بعضی از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی انسان، آسیب دیده و در نتیجه محیط زیست و همه موجودات از انسان و جانوران گرفته تا گیاهان در معرض خطر این اشعه قرار می‌گیرند. از این رو، با توجه به ضرورت پیش‌بینی راهکارهایی برای پیشگیری از تخریب لایه ازن، در سال ۱۹۸۵ به دعوت سازمان ملل

متحد، نمایندگان بیست و یک کشور جهان و کشورهای عضو جامعه اروپا در وین، پایتخت اتریش گردهم آمدند و مفاد معاهده‌ای را که کنوانسیون وین نامیده شد، تدوین کردند.

پروتکل مونترآل در مورد مواد کاهنده لایه ازن برنامه محیط زیست سازمان ملل: این توافقنامه به عنوان یک معاهده مستقل ولی متمم و مکمل پیوست کنوانسیون وین در زمینه مواد مخرب لایه ازن است که در سال ۱۹۸۷ امضاء و دو سال بعد لازم الاجرا شد. پروتکل مونترال را می‌توان نمونه‌ای از موفق‌ترین همکاری‌های زیست محیطی بین المللی دانست. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۰ به کنوانسیون وین و پروتکل مونترال پیوست. دفتر حفاظت از لایه ازن در سال ۱۹۹۳ در تهران تأسیس شد.

کنوانسیون سازمان ملل برای بیابان‌زدایی در کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی و یا بیابان‌زایی مواجه می‌باشند: این کنوانسیون در سال ۱۹۹۴ در پاریس امضا شد و اهمیت ویژه‌ای برای شهر تهران دارد. واقع شدن تهران در منطقه نیمه‌خشک و بروز خشکسالی‌های شدید در منطقه این کنوانسیون را مهم می‌نماید (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۸، ۱).

کنوانسیون تغییرات آب و هوا: در سال‌های دهه ۱۹۸۰، شواهد علمی نشان دادند که انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی خطراتی برای آب و هوای جهان ایجاد می‌کند و به این ترتیب افکار عمومی لزوم ایجاد کنفرانس‌های بین المللی دوره‌ای و تشکیل پیمان‌نامه‌ای برای حل این مسئله را احساس کرد. دولت‌ها برای انعکاس افکار عمومی مجموعه‌ای از کنفرانس بین المللی برگزار کردند و تنظیم قراردادی بین المللی را برای بررسی این مسئله خواستار شدند. در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیته مذاکرات بین الدول^۱ را جهت تدوین کنوانسیون تغییر آب و هوا^۲ تشکیل داد.

پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا: پیمانی بین المللی است به منظور کاهش صدور گازهای گلخانه‌ای، که عامل اصلی گرم‌شدن زمین در دهه‌های اخیر محسوب می‌شوند. این پیمان که پیمان‌نامه ریو را تکمیل و ترمیم می‌کند در چهارچوب سازمان ملل متحد شکل گرفت.

کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده‌های آلی پایدار: در سال ۱۹۹۵ شورای حکام برنامه محیط زیست سازمان ملل^۳ برای عملکرد جهانی راجع به^۴ مواد شیمیایی پایدار در محیط زیست، که تجمع‌پذیر در زنجیره غذایی و دارای اثرات مضر بر سلامتی انسان و محیط زیست تعریف می‌شوند، فراخوانی را اعلام نمود. در پی این فراخوان، نشست بین‌الدولی راجع به ایمنی مواد شیمیایی^۵ و برنامه بین المللی برای ایمنی مواد شیمیایی یک برنامه ارزیابی را از دوازده ماده خطرناک که به عنوان دوجین کثیف^۶ معروف شدند تدارک دیده شد. در سال ۲۰۰۴ با شرکت

^۱ - INC

^۲ - UNFCCC

^۳ - UNEP

^۴ - POPs

^۵ - IFCs

^۶ - Dirty Dozen

یکصد و پنجاه و یک کشور مفاد آن امضاء و مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۱ این کنوانسیون را امضاء نمود و در فوریه سال ۲۰۰۶ به آن ملحق گردید.

کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد زیان بخش و دفع آن‌ها، کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی، کنوانسیون بین‌المللی آمادگی مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد، کنوانسیون بین‌المللی مداخله در دریاهای آزاد و در صورت بروز سوانح آلودگی نفتی و پروتکل مداخله در دریاهای آزاد در صورت بروز آلودگی غیرنفتی، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها، پروتکل ایمنی زیستی، معاهده ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی، کنوانسیون روتردام در مورد آئین اعلام رضایت قبلی برای مواد شیمیایی و آفت کشی‌های خطرناک خاص در تجارت بین‌المللی، کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجرت وحشی، کنوانسیون بین‌المللی حفظ نباتات مصوب، کنوانسیون کمک‌رسانی به هنگام وقوع حادثه هسته‌ای یا فوریت رادیولوژیک و کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای، کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها، کنوانسیون ایمنی جان اشخاص در دریا (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۸، ۳).

توافق پاریس: مهم‌ترین پیمانی که می‌توان نام برد توافق پاریس است. این توافق در چهارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل در تغییر اقلیم در رابطه با کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری و امور مالی است که از سال ۲۰۲۰ شروع می‌شود. متن توافق از سوی نمایندگان یکصد و نود و پنج کشور در کنفرانس تغییر اقلیم ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد در پاریس مذاکره و با اجماع در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب شد و در ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ (روز زمین) در مراسمی در نیویورک برای امضا معرفی و مفتوح گردید. تا سال ۲۰۱۷، یکصد و نود و پنج عضو سازمان ملل متحد در تغییر اقلیم این پیمان را امضا و یکصد و چهل و هفت کشور آن را به تصویب مجالس خود رسانده‌اند. کشور ایران در ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ این توافق را امضا نمود ولی هنوز در مجلس به تصویب نرسیده لذا اجرای آن نیز شروع نشده است. این سند سی و دو صفحه‌ای، نخستین توافق اقلیمی در نوع خود و در سطح جهانی است. بر اساس این سند، کشورها متعهد خواهند شد که میزان تولید گازهای گلخانه‌ای و همچنین مصرف سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند. بر اساس این سند، کشورهای جهان متعهد شده‌اند که میزان افزایش دمای کره زمین کمتر از دو درجه سانتیگراد باشد. همچنین کشورها تلاش خواهند کرد تا این افزایش از سقف ۱/۵ درجه سانتیگراد فراتر نرود. چنین معاهده‌ای برای کلان‌شهر تهران، که در معرض مخاطرات ناشی از تغییرات اقلیمی است و نقشی مهم در کنترل این اثرات دارد، بسیار بااهمیت است. کنفرانس سازمان ملل متحد درباره تغییرات آب و هوا (کاپ ۲۲) در مراکش، برای اجرای معاهده پاریس نقش بسیار مهمی را بر عهده شهرها گذاشت و شعار اصلی آن به این دلیل که بستر بیشترین ابتکارات راه‌حل‌های کاهش کربن هستند، اقدام برای اقلیم در و توسط شهرها تعریف شده بود. در توافق پاریس برای اولین بار به غیر از دولت‌های در رأس کشورها، با شهرداران و گروه‌های محلی هم مذاکره شد و

نتیجه این که شهرها نقش‌های مستقلی یافتند.^۸ یکی از جنبه‌های پراهمیت توافق پاریس، شکل‌گیری مجمع شهرداران بود که خود استراتژی‌هایی را برای پایداری و نیل به اهداف توافقنامه طراحی و تصویب کردند. آن‌ها اصول مشارکت‌طلبی (برای تشویق به تعهد و انگیزه عمومی)، تسهیل‌گری برای استفاده از انرژی‌های سبز، بازیافت و استفاده مجدد از انرژی و منابع طبیعی و مالیات سبز منطقی را در شهرها مهم دانستند (مرجع بررسی توافق نامه تغییر اقلیم پاریس، ۱۳۹۶، ۱).

۱-۳- معاهدات زیست محیطی منطقه‌ای

این معاهدات شامل معاهداتی هستند که الحاق به آن‌ها خاص کشورهای ویژه‌ای است؛ مانند کنوانسیون‌های منطقه‌ای که به کشورهای همان حوزه جغرافیایی اختصاص دارند. معاهدات منطقه‌ای که کشور ایران در آن عضویت دارد، در حوزه اثر کلان‌شهر تهران نیستند و در آن‌ها بیشتر امور مرزی مورد بحث قرار دارد. کلان‌شهر تهران به عنوان پایتخت کشور، محل مذاکرات منطقه‌ای و بستر طرح موضوعات مهم سیاسی- زیست محیطی منطقه‌ای است. عدم تعهد به این معاهدات مشکلات منطقه‌ای شدیدی ایجاد خواهد کرد. وجود مقر کنوانسیون‌های منطقه‌ای در شهرها، اهمیت ویژه‌ای از نظر استانداردسازی شهرهای جهانی دارد (Tayebi&Moosavi&Poorhashemi, 2016, 151-154).

معاهدات منطقه‌ای با عضویت ایران عبارت است از: کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریائی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی؛ پروتکل همکاری منطقه‌ای برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضر در موارد اضطراری؛ پروتکل آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره؛ پروتکل حمایت محیط زیست دریائی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی؛ پروتکل کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد خطرناک و دیگر ضایعات در دریا؛ کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی خزر؛ تعیین مرجع ملی پروتکل ایمنی زیستی.

۱-۴- معاهدات بین المللی دوجانبه زیست محیطی

معاهدات بین المللی دوجانبه همان گونه که از نام آن مشخص است، بین دو کشور منعقد می شود و تفاوت آن با معاهدات بین المللی در حق شرط است. حق شرط اعلامیه یک‌جانبه‌ای است که یک دولت به هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به یک معاهده صادر کرده و طی آن اعلام می کند که اثر حقوقی برخی از مقررات آن معاهده را نسبت به خود نمی پذیرد یا آن اثر را تغییر می دهد. حق شرط تنها نسبت به معاهدات چندجانبه اعمال می شود و در معاهدات دوجانبه قابل اجرا نیست. همانند معاهدات منطقه‌ای اثرگذاری کلان‌شهر تهران به عنوان پایتخت کشور در این معاهدات محدود به بعد سیاسی آن از نظر وجود مقر توافقنامه در تهران و یا مخاطره ناشی از عدم تعهد به آن‌ها است. موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به تعلیف احشام؛ موافقتنامه بین ایران و عراق راجع

^۸ مثلاً دولت آمریکا روند خروج از توافق پاریس را پیش گرفت ولی برخی شهرهای آمریکائی اعلام کردند که به توافق پایبند بوده و اقدامات را ادامه می دهند.

به استفاده از آب رودخانه‌های مرزی؛ معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه؛ موافقتنامه همکاری‌های شیلای بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه؛ موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بیلوروس در زمینه قرنطینه گیاهی و حفظ نباتات؛ موافقتنامه همکاری در زمینه کاربردهای صلح جویانه از انرژی هسته‌ای بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین (Tayebi & Moosavi & Poorhashemi, 2016, 151-154).

۲- اسناد حقوقی غیرمعاهده‌ای زیست محیطی

منظور از این اسناد، اسنادی هستند که به صورت بیانیه‌هایی از طرف سازمان ملل متحد (معمولاً) پس از برگزاری هم‌اندیشی‌ها و نشست‌های متعددی، مطرح و عنوان می‌شود و در ابتدا شامل تعهد خاصی نمی‌شوند ولی برای کشورهای جهان راه‌کارهایی در آن‌ها آورده شده است. تعداد این اسناد بسیار زیاد است که مهم‌ترین و اثرگذارترین آن‌ها به شرح زیر است.

بیانیه محیط زیست و انسان: کنفرانس ژوئن ۱۹۷۲ استکهلم سوئد با شرکت مقامات و نمایندگان اکثر کشورهای جهان یک طرح عملیاتی یا اجرائی را منتشر نمود که به عنوان اسناد کنفرانس جهانی محیط زیست تلقی می‌شوند. بیانیه محیط زیست و توسعه: کنفرانس ژوئن ۱۹۹۲ ریودوژانیرو که به اجلاس زمین یا همایش ریو موسوم گردیده است توجه جهانی را به مهم‌ترین مسئله بشری در سده بیست و یکم یعنی محیط‌زیست جلب نمود. حاصل و نتایج کنفرانس ریو عبارتند از: بیانیه اصولی ریو پیرامون محیط زیست و توسعه دستور کار بیست و یک یا دستورالعمل اقدام در ارتباط با توسعه پایدار جهانی، اصل جنگل و دو کنوانسیون مهم و یا معاهده بین‌المللی تنوع زیستی و معاهده ساختاری سازمان ملل پیرامون تغییرات اقلیمی.

دستور کار بیست و یک: یک برنامه عمل داوطلبانه و غیرالزام‌آور است که از سوی سازمان ملل و در رابطه با توسعه پایدار ارائه شده است. این دستورالعمل حاصل کنفرانس سازمان ملل در باره محیط زیست و توسعه^۹ است که در سال ۱۹۹۲ در ریو دوژانیرو برگزار شد. این برنامه، دستور کاری عملی برای سازمان ملل متحد، دیگر سازمان‌های چندجانبه و دولت‌های سراسر جهان است که می‌تواند در سطح محلی، ملی و جهانی اجرا شود. عدد «بیست و یک» در عبارت دستورالعمل بیست و یک به قرن بیست و یکم اشاره دارد. این دستورالعمل در کنفرانس‌های بعدی سازمان ملل متحد مورد تأیید و اصلاح قرار گرفت.

بیانه اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ: برای نیل به اهداف توسعه پایدار، سپتامبر ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ، این بیانیه مطرح و امضا شد.

کنفرانس‌های سالانه برنامه تغییر اقلیم سازمان ملل متحد: این کنفرانس‌های سالانه با حضور بدنه اصلی برنامه تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد با هدف مطالعه، بررسی و ارزیابی گزارش‌های ملی کشورها و بررسی دستور کارهای جدید، برگزار می‌شود. بسیاری از موافقتنامه‌های بین‌المللی برونداد این نشست‌ها هستند.

^۹ - UNCED

برنامه محیط زیست ملل متحد، یونپ ۱۹۷۲: براساس اعلامیه محیط زیست بشر (بیانیه اصولی) که در ژوئن ۱۹۷۲ به تصویب کنفرانس جهانی محیط زیست انسان در استکهلم رسیده است حفظ محیط زیست بشر و تضمین حقوق بشر برای برخورداری از محیط زیست سالم و تشویق و ترغیب فعالیت های زیست محیطی در سطوح بین المللی و منطقه ای و توسعه قوانین و معاهدات بین المللی به منظور کنترل آلودگی و تخریب محیط زیست ناشی از فعالیت های بشری از اهداف برنامه می باشد (Susskind & Ali, 2015, 92-95).

۳- مصوبات هیأت وزیران در مورد اجرای معاهدات زیست محیطی

اجازه امضای موقت کنوانسیون ایمنی مواد شیمیایی در محیط زیست به وزارت امور خارجه و سازمان حفاظت محیط زیست؛ اجازه امضای موقت کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر به سازمان حفاظت محیط زیست؛ تعیین وزارت جهاد کشاورزی در مسائل رای و گیاهی و سازمان حفاظت محیط زیست در مسائل انسانی به عنوان مرجع ملی کنوانسیون - روتردام^{۱۰}؛ اجازه امضای موقت قرار تأسیس مرکز منطقه ای کنوانسیون بازل در ایران ما دبیرخانه کنوانسیون بازل در سازمان حفاظت محیط زیست؛ تعیین سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع ملی کنوانسیون تغییر آب و هوا و تشکیل شورای هماهنگی کنوانسیون تغییر آب و هوا؛ اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست در پیگیری تأسیس مرکز منطقه ای رامسر؛ تعیین سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع ملی کنوانسیون تغییر آب و هوا تشکیل شورای هماهنگی؛ اجازه امضای موقت موافقتنامه دریافت وام بلندمدت برای ایجاد شبکه آزمایشگاه ها بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امپراتوری ژاپن به سازمان حفاظت محیط زیست؛ اجازه امضای موقت پروتکل ایمنی زیستی کارتاهاینا در کنوانسیون تنوع زیستی در چهارچوب متن پیوست به سازمان حفاظت محیط زیست (ملکی، ۱۳۹۷، ۱۰۱-۱۰۳).

۴- اثرگذاری بر کلان شهر تهران

مشکلات زیست محیطی دارای موجودیتی جدا از جامعه شهری نیستند، بلکه همواره از طریق فرآیندهای اجتماعی پیچیده، ایجاد می شوند. صدمات و خسارات، وجود دارند ولی این که کدام یک مورد توجه همگانی قرار بگیرند منوط به جمع آوری موفق اطلاعات، نظر، عقیده، شعور و خودآگاهی است. این که رسانه ها و متخصصان چگونه مسائل زیست محیطی را تفسیر می کنند و جهت گیری سیاست گذاران چه باشد، جنبه اجتماعی و مدنی محیط زیست با تبلیغات عمومی تقویت شود یا خیر و عنصر احساسی نگاه دلسوزانه به محیط زیست ایجاد شود، همه نشان گر اهمیت و اثربخشی مقررات و قوانین زیست محیطی بر جوامع انسانی به ویژه شهرها به عنوان مراکز تمدنی و فعالیتی هستند. منافع اجتماعی شهرها به لحاظ ارزیابی خطرات و بحران های طبیعی، ارزیابی خسارات و مدیریت برنامه ها اقدامات مقابله یا سازگاری، در گرو توجه به محیط زیست می باشد. سیاست گذاری در دیپلماسی فعال بین المللی موجب توجه ویژه عموم مردم به موضوع می شود (طیعی و اسماعیلی فرد، ۱۳۹۶، ۲۹-۳۲)، از دیگر سو در تحقق اهداف معاهدات بین المللی مدل جدیدی از همکاری های سنتی دولت ها شکل گرفته است که ارتباط و همکاری

شهرها با یکدیگر در زمینه‌های مختلف انتقال دانش و نوین فناوری‌هاست. در واقع از همکاری سنتی دولت - تمرکززدایی شده و این شهرها هستند که به عنوان بستر اصلی تحقق معاهدات، خود پای میز نشسته و به مبادله تجارب و دانش بومی می‌پردازند (ساسکیند و علی، ۱۳۹۵، ۵۷). شهرها می‌توانند به دولت‌های‌شان برای ایفای این نقش کمک کنند. مؤسسه چشم انداز شهر،^{۱۱} بنیاد راکفلر در انجمن یکصد شهر تاب آور، گروه C40، مجمع شهرداران و ... در کنار سازمان‌های مهم بین‌المللی مثل هیئات و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، نقش شهرها را در اقدام برای اقلیم پررنگ می‌داند. چهارچوب‌های اقدام شهرها برای تغییر اقلیم، فقط شامل راه‌های کاهش اثر تغییر اقلیم نیست و به طور فزاینده‌ای مرزهای سیاسی و جغرافیایی را درنوردیده و با افزایش تاب‌آوری و کاهش تفاوت‌های نژادی در ارتقاء سلامت و کیفیت زندگی شهروندان گام برمی‌دارد. شهرداران در بستر مدیریت شهر هستند و آن‌ها هستند که می‌بینند انفعال در مقابل تغییرات اقلیمی هزینه‌های بالای ساخت مجدد، تعمیرات، از بین رفتن بسیاری از فرصت‌های اقتصادی و انواع بیماری‌ها را برای شهر ایجاد می‌کند.

کلان‌شهر تهران تاکنون در زمینه فعالیت برای معاهدات زیست محیطی بسیار منفعل بوده و علت آن را می‌توان در متن (HCA)^{۱۲} یافت. طبق شرایط قراردادهای میزبانی کنفرانس‌های تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد، شرایط مختلف میزبانی از جمله دیپلماسی فعال بین‌المللی، شرایط امنیت و سهولت رفت و آمد به کشور میزبان از نظر اخذ ویزا و غیره، ضروری دانسته شده است (Tayebi&Moosavi&Poorhashemi, 2017, 1531-1537). در کنار اهمیت ویژه‌ای که این موضوع برای کلان‌شهر تهران دارد، می‌توان سه حالت را برای آینده این عامل در نظر داشت: حالت اول: روند کنونی سیاسی کشور ادامه یافته و شهرداری تهران به تبعیت از آن، روند فعلی منفعل بودن در پیمان‌های زیست محیطی را ادامه می‌دهد. حالت دوم: روند سیاسی کشور ادامه داشته ولی شهرداری تهران، داوطلبانه با سازمان محیط زیست که مرجع ملی تمامی پیمان‌های زیست محیطی است، وارد همکاری می‌شود و نقش مهمی در کاهش آلاینده‌های زیست محیطی ایفا می‌کند. حالت سوم: روند سیاسی کشور تغییر می‌کند و دیپلماسی بین‌المللی قوی‌تری، شهرداری تهران را مجاز به مشارکت و فعالیت در معاهدات بین‌المللی زیست محیطی می‌کند (بسیل و کرل، ۱۳۹۶، ۷۸-۷۹).

جدای از این‌ها پیوستن به معاهدات بین‌المللی زیست محیطی و شروع و تلاش برای اجرای آن‌ها، میزبانی کلان-شهرها برای چنین نشست‌هایی و فعال بودن در روند تصویب معاهدات بین‌المللی زیست محیطی، دیپلماسی فعال و اثربخش، موجب ارتقای سطح شهر در کلاس جهانی می‌شود. شهر تهران با ویژگی‌های جغرافیایی منحصربه‌فرد زمینه تشکیل چنین نشست‌هایی را دارد. با امعان نظر به این مهم، می‌توان تلاش این شهرها برای ارتقاء سطح دیپلماسی خود را درک کرد (Vidal, 2012, 2-4). آنچه مسلم می‌نماید این است ارزیابی تعهد به اجرای معاهدات در درجه اول در شهرهای رده اول هر کشور انجام می‌شود. بنابراین می‌بایست به این موضوع با دیدی عمیق و فرصت‌جویانه نگاه کرد. از دیگر سو، کنوانسیون‌ها و معاهدات، مسئولیت‌های مشترک و گاه متفاوتی را بر عهده

¹¹- Citiscope

¹² - Host Country Agreement

کشورهای عضو قرار می‌دهند که فرصت بسیار خوبی برای ارزیابی شرایط خود و مقایسه با سایر شهرهای جهانی است (طیعی و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۵).

بسیاری از اسناد بین‌المللی اعم از معاهده‌ای و غیرمعاهده‌ای علاوه بر ایجاد یک تعهد بزرگ برای دولت‌ها، راهکارهایی پایدار و اثربخش بر مبنای مطالعات عمیق، به‌ویژه برای کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه ارائه می‌دهند که می‌تواند مبنای اقدامات قرار بگیرد. در این زمینه می‌توان به کمک‌های فنی و آموزشی که معمولاً در پیوست معاهدات به عنوان حمایت از کشورهای در حال توسعه ذکر می‌شود، اشاره نمود. مثلاً برای رسیدن به اهداف توسعه، از شهرداران دعوت شد نه اقدام برای مدیریت شهری تاب‌آور انجام دهند: طراحی و ایجاد برنامه‌های اقدام برای اقلیم و تاب‌آوری شهری بر اساس برابری اجتماعی و نژادی (از بعد بهره‌مندی از مشاغل برابر) و اقتصاد سبز، ایجاد همکاری و تشویق مشارکت از طریق تقویت ظرفیت‌های محله‌ای در اجرای راه‌حل‌های تغییر اقلیم، توسعه فرصت‌های اقتصادی و مسکن ارزان و در دسترس، تسهیل دسترسی به انرژی پاک و ارزان، تسهیل استفاده از حمل و نقل ارزان و پاک، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تاب‌آوری، سرمایه‌گذاری و حمایت از مدیریت بحران، حمایت از جوامع محلی و نهایتاً سرمایه‌گذاری در تقویت تاب‌آوری جامعه. تیم‌هایی موظف به ارزیابی شرایط فنی - علمی کشورهای در حال توسعه می‌شوند و زمینه را برای انتقال برخی از فن‌آوری‌های نوین فراهم می‌نمایند. این اقدامات فرصتی گران‌بها برای ایجاد تفکر، برنامه‌ریزی و شغل سبز و توسعه‌مدار هستند (مثنوی، ۱۳۸۲، ۴۴). تعهد به برخی از این اسناد می‌تواند امکانات بین‌المللی از جمله وام‌ها و سرمایه‌گذاری را به سمت کشور و دولت‌های محلی (شهرداری‌ها) روانه کند. این سرمایه‌ها در قالب طرح‌هایی قابل دستیابی - است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۹)، به عنوان مثال برخی شهرهای جهان تعهد کردند تا سال ۲۰۲۵ خیابان‌های بدون سوخت فسیلی ایجاد کرده و از خودروها و اتوبوس‌های برقی و پاک استفاده نمایند و یا شهر پاریس که در سال ۲۰۲۴ میزبان بازی‌های المپیک است، تعهد کرده، سبزترین المپیک تاریخ را برگزار نماید. برنامه تسهیلات جهانی زیست محیطی^{۱۳} نیز از طرح‌های محلی و ملی حفظ و بهبود کیفیت محیط زیست حمایت می‌کند.

اجبار معاهده در ارائه گزارش‌های دوره‌ای، فرصتی است که به دور از ناراستی داده‌ها و اطلاعات و با بهره‌گیری از تکنیک‌های جدید گزارش‌نویسی، خود را در ظرف و مقیاسی جهانی و با استانداردهای بین‌المللی بسنجیم. برخی از معاهدات مانند کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان با توجه به وجود میراث طبیعی فراوان در اطراف شهر تهران، مانند پارک‌های ملی خجیر، سرخه حصار، کویر و همچنین رود دره‌ها، ارتفاعات البرز و غیره و یا کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و همچنین کنوانسیون کاهش مواد کاهنده لایه ازن، می‌توانند به لحاظ تاثیرات ذکر شده در موارد بالا مورد بررسی قرار بگیرند (سازمان نوسازی شهر تهران، ۱۳۹۵، ۴۶). نباید این موضوع را دور از ذهن داشت که نقش کلان‌شهر تهران در شناساندن دست‌آوردهای ملی در سطح جهانی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی، امری مهم است. در تکمیل این گزینه می‌توان گفت دیپلماسی موفق شهری به عنوان پشتیبان

دیپلماسی ملی و رسمی، با دستی بازتر فرصت‌های معاهدات بین‌المللی را به سمت شهرها روانه می‌کند (دی‌منتو، ۱۳۹۴، ۱۷۴). استفاده از تجارب جهانی سایر کلان‌شهرها نیز فرصتی است که در اثر این گونه ارتباطات ایجاد می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰، ۱۹).

مرتکبین جرائم محیط زیستی و مؤثران این حوزه در بحث راه‌حل‌ها، شامل افراد و گروه‌هایی با پیشینه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بسیار متنوع هستند. با این وصف بزرگترین جرائم و تخطی از پیمان‌ها و قوانین را کسانی مرتکب می‌شوند که از قدرت ایجاد بزرگترین آسیب و خسارت برخوردارند یعنی شرکت‌های بزرگ، نهادهای تجاری بزرگ، کارخانجات بزرگ. رشد جمعیت و نیاز به تولیدات بیشتر، منطبق سود و منفعت، سرمایه‌داری رقابتی، سبک زندگی مصرف‌گرایی و فساد سیستماتیک نقش مؤثری در تمایل به عدم اجرای معاهدات و قوانین زیست‌محیطی دارند. امروزه بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید دوستدار محیط زیست و آگاهی اجتماعی عمومی دو ابزار مهم برای حل این معضل به شمار می‌روند. بایستی سیستم نظارت و بازرسی زیست محیطی کاملاً عادلانه رفتار کند تا فقط بار مداخله دولتی و نظارتی بر دوش مشاغل کوچک نباشد. از مقیاس بزرگ شروع شده و کل سیستم را دربرگیرد. در پرتو معاهدات بین‌المللی، شرکت‌ها و کارخانجات بزرگ را می‌توان مجبور به رعایت اصول زیست محیطی و آسیب کمتر به محیط کرد (ویت، ۱۳۹۴، ۱۱۲-۱۱۴).

دیپلماسی فعال نمایندگان (از امور بین‌الملل، سازمان محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری و معاونت برنامه‌ریزی) در امضای توافقنامه‌های بین‌المللی دو اثر عمده دارد: یکی وارد کردن بندهایی در معاهدات در خصوص تهران و دیگری انتخاب شهرداری به عنوان مرجع ملی معاهده و استفاده از تسهیلات زیست‌محیطی برای شهرداری. تقویت روابط بین‌الملل در حوزه دفاتر و مقر نهادهای بین‌المللی و یا حضور نمایندگان شهرداری در آن‌ها که مستلزم تخصیص بودجه و حساس بودن نسبت به این موضوع است. مهم‌ترین سازکار اعلام‌شده در پروتکل کیوتو که می‌تواند کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران را در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و جلب منافع اقتصادی ناشی از اجرای معاهده یاری می‌کند، سازکار توسعه پاک می‌باشد. این سازکار در واقع مشارکت جهان صنعتی و کشورهای در حال توسعه را برای اجرای تعهدات کشورهای صنعتی در چهارچوب پروتکل فراهم می‌سازد و متقابلاً منافع اقتصادی و زیست‌محیطی زیادی را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده که به توسعه پایدار این کشورها کمک می‌کند (کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۸، ۲۳-۳۳). بنابراین کشورهای صنعتی بخشی از تعهدات خود در کاهش گازهای گلخانه‌ای را در کشورهای توسعه‌یافته در قالب طرح‌های مکانیزم توسعه پاک به مرحله اجرا درمی‌آورند. این طرح‌ها سرمایه‌گذاری‌های خارجی و فناوری‌های نوین برای کشورهای در حال توسعه دارد. بهبود راندمان مصرف‌کننده نهایی از تولیدات گوناگون خودروها و نیز بهینه‌سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی و صنعتی، بهبود راندمان عرضه انرژی که به طور عمده با نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها در ارتباط است، از جمله اقدامات این برنامه‌هاست (کویورو، ۱۳۹۴، ۱۷۸).

نتیجه

این پژوهش بر پایه نقش تعاملی معاهدات زیست محیطی و دغدغه‌های موجود در کلان‌شهر تهران شکل گرفت و به این پرسش پاسخ داد که نحوه تعامل دوسویه معاهدات زیست محیطی و کلان‌شهر تهران چگونه می‌تواند سبب توان افزایی بازآفرینی پایدار باشد؟ در این راستا ابعاد اثرگذاری معاهدات مورد مذاقه قرار گرفت و مشخص گردید که ساختار معاهدات زیست محیطی می‌تواند دغدغه‌های محیط زیستی کلان‌شهرها را پوشش دهد و از سوی دیگر سازکار مؤثری برای قوام بخشیدن به مقررات اجرایی زیست محیطی کلان‌شهرها هستند. در این راستا، بازآفرینی جهان‌شهرها ارتباطی مستقیم با دغدغه‌های زیست محیطی کلان‌شهرها دارد و ابزار دوام‌بخش این مهم همان دیپلماسی سبز شهری است. این مقوله را جوامع شهروندی، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت‌های محلی سامان می‌دهند. در این زمینه و بنا بر اهمیت موضوع با امعان نظر به چهارچوب تحلیل معاهدات زیست محیطی، آینده-نگاری تعامل پیمان‌های زیست محیطی و میزان اثرگذاری آن بر کلان‌شهرها ضرورتی انکارناپذیر است. با این توصیف پیروی معاهداتی و اجرای مؤثر آن، بومی‌سازی مفاد معاهداتی، تقویت دیپلماسی عمومی و شهری، توانمندسازی بهره‌وری از قواعد چهارچوبی زیست محیطی، پابندی حقوقی به اصول و استانداردهای زیست-محیطی از جمله آثار تعاملی و محورهای اثربخش برای آینده‌نگاری این حوزه است.

منابع

فارسی

- بتسل، میشل ام و کرل، الیزابت، ۱۳۹۶، **دیپلماسی سازمان‌های مردم‌نهاد؛ تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد بر مذاکرات زیست محیطی بین المللی**، ترجمه و تحقیق: سبحان طیبی و رضا عرب چادگانی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- بهرام سلطانی، کامبیز، ۱۳۸۴، **مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی محیط زیست**، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- پورجعفر، محمدرضا؛ خدائی، زهرا؛ پورخیری، علی، ۱۳۹۰، **رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و بارزهای توسعه پایدار شهری**، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۳.
- دی منتو، جوزف اف، ۱۳۹۴، **محیط زیست جهانی و حقوق بین الملل**، ترجمه سبحان طیبی، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوقی مجد.
- سازمان نوسازی شهر تهران، ۱۳۹۵، **مستند نگاری پروژه‌های شاخص شهر تهران؛ نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر.
- ساسکیند، لارنس و علی، سالم، ۱۳۹۵، **دیپلماسی محیط زیست مذاکرات مؤثرتر بر موافقتنامه‌های جهانی**، ترجمه سبحان طیبی و پگاه ملکی اصل، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- طیبی، سبحان؛ لیالی، زهرا؛ مزینیان، زینب، ۱۳۹۷، **نقش آفرینی شهروندی و تأثیر دیپلماسی عمومی بر حقوق اقتصاد سبز شهری**، **دوفصلنامه حقوق اقتصادی و صنفی**، شماره ۸.
- طیبی، سبحان، ۱۳۹۵، **دیپلماسی محیط زیست و حقوق بین الملل توسعه پایدار (مجموعه آراء و نظریات)**،

چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- طیبی، سبحان و اسماعیلی فرد، مریم، ۱۳۹۶، **دیپلماسی محیط زیست در پرتو مذاکرات و تصمیم سازی‌های بین المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- طیبی، سبحان، ۱۳۹۶، **دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین المللی و صلح جهانی**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

- کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۸، **گزارش اجلاس جهانی توسعه پایدار، (ژوهانسبورگ، ۶ شهریور)**، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.

- کویوروا، تیمو، ۱۳۹۴، **مقدمه‌ای بر حقوق بین الملل محیط زیست**، ترجمه: سبحان طیبی و مهناز ضرابی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- کنت لری، دیوید و پی سو پاتی، بالا کریشنا، ۱۳۹۴، **آینده حقوق بین الملل محیط زیست در عصر جهانی شدن**، ترجمه: سبحان طیبی و صفیه طیبی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز ملی جهانی شدن.

- لطفی، سهند، ۱۳۹۱، **تبارشناسی بازآفرینی شهری، از بازسازی تا نوزایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات آذرخش.

- مثنوی، محمدرضا، ۱۳۸۲، **توسعه پایدار و پارادایم های جدید توسعه شهری: شهر فشرده و شهر گسترده، فصلنامه محیط شناسی**، شماره ۳۱.

- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۸، **وضعیت الحاق ایران به معاهدات بین المللی**، وبسایت
259&lan=fa&http://www.unic.ir.org/index.php?option=com_content&view=article&id=575&Itemid=g=fa

- مرجع بررسی توافق نامه تغییر اقلیم پاریس، ۱۳۹۶، **داده ها و ستانده های توافق نامه آب و هوایی پاریس چیست؟**، پایگاه خبری-تحلیلی عیار آنالین

<http://paris.agreement.ir/2017/07/18/%D8%AF%D8%A7%D9%87-%D9%88>

- معاونت برنامه ریزی و توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران، ۱۳۹۷، **آینده نگاری شهر تهران**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهرداری تهران.

- ملکی، حجت، ۱۳۹۷، **اکودیپلماسی و بازآفرینی پایدار جهان شهرها از منظر حقوق بین الملل محیط زیست**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.

- وایت، راب، ۱۳۹۴، **جرایم علیه طبیعت جرم شناسی محیط زیست و عدالت زیست محیطی**، ترجمه پیمان نامیان و سبحان طیبی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

لاتین

-Susskind, L E, Ali H Saleem, 2015, **Environmental Diplomacy:Negotiating More Effective Environmental Agreements**, Oxford, Oxford University Press.

-Tayebi, Sobhan, Moosavi, Seyed Fazlollah, Poorhashemi, Seyed Abbas, 2017, **International Interaction and Global Peace in Light of International Convergence: A Strategy to Achieve Environmental Diplomacy**, **International Journal of Environmental Science and Technology**, July, Volume 14, Issue 7.

-Tayebi, Sobhan, Moosavi, Seyed Fazlollah, Poorhashemi, Seyed Abbas, 2016, **Environmental Diplomacy: A Framework for Growth of International Interaction and Cooperation for Achievement of Global Peace**, **Journal of Politics and Law**, Vol 9,

No 9.

-Vidal ,John, 2012, Many Treaties to save the Earth but Where's the Will to Implement Them? The Guardian June 7 Online at: www.Theguardian.com/environment/blog /jun/07.